



نشست تخصصی

الگوی جدید نگهبانی از نظام بر اساس نظام
مقایسه (پیشنهادی برای مواجهه با هجوم اسناد
بین المللی به هویت شیعی)

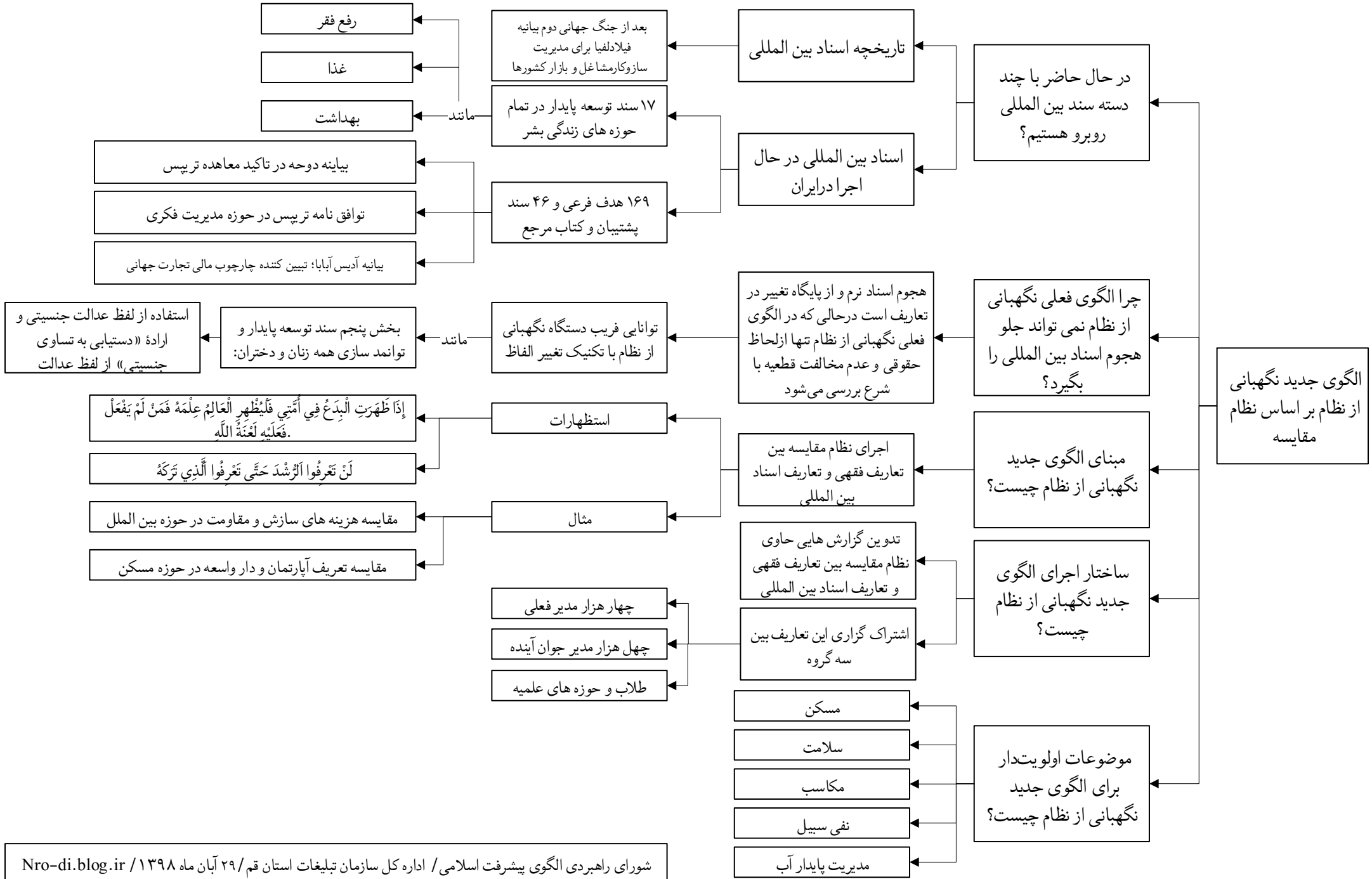
محورها:

۱. اسناد بین المللی ای که در حال اجرا در ایران است، چه ابعادی دارد؟
۲. چرا الگوی فعلی نگهبانی از نظام نمی تواند مواجهه صحیحی در مقابل هجوم اسناد بین المللی داشته باشد؟
۳. مبنای فعالیت الگوی جدید نگهبانی از نظام در مواجهه با اسناد بین المللی چیست؟
۴. ساختار اجرایی الگوی جدید نگهبانی از نظام چگونه است؟
۵. چه موضوعاتی برای شروع کار الگوی جدید نگهبانی از نظام اولویت دارند؟

شناسنامه:

جزوه پیش رو متن پیاده شده سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی تبیین الگوی جدید نگهبانی از نظام (پیشنهادی برای مواجهه با هجوم اسناد بین المللی به هویت شیعی) در سازمان تبلیغات اسلامی استان قم است که در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۹۸ در شهر مقدس قم برگزار شده است. پیشنهاد می شود جزوه و نمودار این جلسه به ترتیب در قطع A۴ و A۳ چاپ شود.

الگوی جدید نهبانی از نظام بر اساس نظام مقایسه



فهرست مباحث

۱. سؤال اول: در حال حاضر با چند دسته سند بین المللی روبرو هستیم؟ ۴
- ۱/۱. بحث از تاریخچه اسناد بین المللی؛ یکی از مباحثات سؤال اول ۴
- ۱/۲. بررسی سندهای در حال اجرای در ایران؛ دیگر سرفصل بحث از اسناد بین المللی ۶
۲. سؤال دوم: چرا الگوی فعلی نگهداری از نظام نمی تواند جلوی هجوم اسناد بین المللی را بگیرد؟ ۱۶
- ۲/۱. بررسی صرفاً حقوقی و پرداختن به بررسی تعاریف؛ علت ضعف الگوی نگهداری فعلی در مقابله با اسناد بین المللی ۱۶
- ۲/۱/۱. دستیابی به تساوی جنسیتی ذیل بخش پنجم سند توسعه پایدار؛ نمونه‌ای از هجوم نرم اسناد بین المللی ۱۷
۳. سؤال سوم: مبنای الگوی جدید نگهداری از نظام چیست؟ ۲۰
- ۳/۱. نظام مقایسه؛ مبنای الگوی جدید نگهداری از نظام بر اساس استظهار فقهی از آیات و روایات ۲۰
- ۳/۲. مقایسه هزینه‌های بین سازش و مقاومت در مسئله سیاست خارجه و مقایسه بین تعریف آپارتمان و تعریف دار واسعه در مسئله مسکن؛ نمونه‌هایی از نظام مقایسه با تعاریف غلط ۲۲
۴. سؤال چهارم: ساختار اجرای الگوی جدید نگهداری از نظام چیست؟ ۲۴
- ۴/۱. تدوین گزارش‌هایی بر مبنای نظام مقایسه میان تعاریف فقهی و تعاریف اسناد بین المللی؛ دسته اول سازوکار اجرایی الگوی جدید نگهداری از نظام ۲۴
- ۴/۲. اشتراک‌گذاری این گزارش میان مدیران فعلی و مدیران آینده و طلاب حوزه‌های علمیه؛ دسته دیگر اقدامات موردنیاز برای اجرای الگوی جدید نگهداری از نظام ۲۴
۵. سؤال پنجم: موضوعات اولویت‌دار برای الگوی جدید نگهداری از نظام چیست؟ ۲۶
- ۵/۱. مسکن؛ اولین اولویت موضوعات برای الگوی جدید نگهداری از نظام ۲۶
- ۵/۲. سلامت؛ دومین اولویت موضوعات برای الگوی جدید نگهداری از نظام ۲۹
- ۵/۳. مکاسب؛ سومین اولویت موضوعات برای الگوی جدید نگهداری از نظام ۲۹

۵/۴. نفی سیل؛ چهارمین اولویت موضوعات برای الگوی جدید نگهداری از نظام ۳۰

۵/۵. مدیریت پایدار آب؛ پنجمین اولویت موضوعات برای الگوی جدید نگهداری از نظام ۳۰

پیوست‌ها ۳۲

پیوست شماره ۱: متمم قانون مشروطه ۳۲

پیوست شماره ۲: متمم قانون مشروطه ۳۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَ الصَّلٰةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَیْدِنَا وَ نَبِیْنَا وَ شَفِیْعِنَا فِی یَوْمِ الْجَزَاءِ اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ عَلٰی اَهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ الْمُعْصَمِیْنَ الْمُكْرَمِیْنَ الْمُتَمَنِّجِیْنَ سِیْمَا بَقِیْهِ اللّٰهُ فِی الْاَرْضِیْنَ اَرْوَاحِنَا لِآمَالِهِ الْفِدَاءِ وَ عَجَلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ الشَّرِیْفِ وَ اللَّعْنَ الدَّائِمَ عَلٰی اَعْدَائِهِ اَعْدَاءِ اللّٰهِ

همان طور که به استحضار آقایان علماء و نخبگان محترم رسیده است، موضوع نشست تخصصی امروز تبیین اجمالی الگوی جدید نگهبانی از نظام است. الگوی جدید نگهبانی از نظام در واقع پیشنهادی برای مواجهه با هجوم اسناد بین المللی به هويت شیعی است و به صف آرای شیعه در این جبهه جهانی ای که قبل از ظهور ولی عصر ارواحنا فدا برقرار است، کمک می کند و ضربه خوری ما از یهود و دشمنان قسم خورده انسانیت ارتقاء پیدا کند. اگر ان شاء الله خدای متعال به بنده توفیق عنایت کند، امروز به محوریت پنج پرسش این الگوی جدید نگهبانی از نظام را محضر برادران محترم خودم و خواهران گرامی تشریح می کنم. البته اصل الگوی جدید نگهبانی از نظام، حاوی پانزده پرسش است و اگر یک فرصت ده جلسه ای یا بیشتر مهیا شود ما در این فرصت تفصیلی این پانزده پرسش را طرح خواهیم کرد و این به تشریح بیشتر مسئله الگوی جدید نگهبانی از نظام کمک می کند. ولی به تبع وقتی که الآن در اختیار داریم، بنده از آن پانزده پرسش پنج پرسش را خدمت دوستان مطرح می کنم که به نظرم پیشنهادی را که ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و مدرسه هدایت مطرح کرده ایم، وضوح اجمالی پیدا خواهد کرد.

سؤال اول این است که اساساً چند سند بین المللی الآن در ایران در حال اجراست؟ که به این مسئله باید بپردازیم و راجع به آن صحبت کنیم. علت این است که تلقی بسیاری از نخبگان ما این است که با چند سند محدود روبه رو هستیم و متأسفانه جریان بصیرت افزا و گفتمانی انقلاب اسلامی با اینکه سالهاست از مسئله اسناد بین المللی می گذرد هنوز نتوانسته است با نخبگان ما ابعاد خطرناک این اسناد را تفاهم کند.

بنده گاهی - از سر غم عرض می‌کنم که - خدمت بعضی از بزرگان می‌رسم و داستان اسناد بین المللی را به اجمال تشریح می‌کنم، می‌بینم که از وجود چنین اسنادی در کشور اظهار بی اطلاعی می‌کنند. خب جریان غرب گرا در چهل سال گذشته پخته شده است و کاملاً کارها را چراغ خاموش مدیریت می‌کند. لذا سؤال اول برای بسیاری، سؤال نو و پخته‌ای است اگر چه که ممکن است بعضی از اعزه ای که در جلسه حضور دارند از بررسی این سؤال بی‌نیاز باشند.

سؤال دوم جلسه این است که چرا ما نمی‌توانیم با الگوی فعلی نگهبانی از نظام جلوی هجوم اسناد بین المللی را بگیریم؟ بالاخره الان با یک الگویی - و لو نا نوشته - مسئله نگهبانی از نظام در حال تحقق است. خب چرا این الگو نمی‌تواند جلوی این هجوم خاموش و نرم را بگیرد؟ که این سؤال دوم جلسه است که باید راجع به آن بحث کنیم.

البته شما استظهار دارید که ریشه نگهبانی‌ای که فقهای شیعه - کثر الله امثالهم - الان از نظام دارند، به مرحوم آیت الله شهید شیخ فضل الله نوری برمی‌گردد که وقتی ایشان متمم قانون اساسی مشروطه^۱ را داشتند، پایگاهی به نحو اجمالی برای حضور فقها برای نظام سازی ایجاد کردند. با اینکه ما از حدود صد سال پیش ایده الگوی جدید نگهبانی از نظام را داریم و توانسته‌ایم در بسیاری از مواقع جلوی مخالفت‌های عیان با شریعت را بگیریم ولی تقریباً برای همه واضح است که این الگوی فعلی حتماً نیاز به ترمیم و تکمیل دارد؛ بنابراین در سؤال دوم باید دلایل این تکمیل و ترمیم را نیز بحث کنیم. منصفانه باید دید که شورای نگهبان فعلی و الگویی که بر اساس آن نگهبانی اتفاق می‌افتد، فعلاً در مقابل بسیاری از انحرافات، سد سدی است و علت هجمه دشمن به شوراین نگهبان و فقهای محترمی که در این شورا حضور دارند به خاطر همین نگهبانی که انجام می‌دهند است و لکن با تمام این نقاط قوت، ما در بسیاری از موارد دچار چالش هستیم و نفوذ بر ضد شریعت اتفاق می‌افتد و این مسئله، نیاز به این دارد که حوزه‌های علمیه از باب تکمیل مفهوم حصن^۲ و رابط^۳ در حوزه‌های علمیه که توصیه امام علیه السلام است^۴ ورود پیدا کرده و مباحث را تکمیل کنیم. مرحوم شیخ فضل الله نوری گامی برداشته‌اند و کار جلو رفته است و در

۱. برای مشاهده متمم قانون اساسی مشروطه به پیوست شماره ۱ مراجعه بفرمایید.

۲. الرِّبَاطُ: ملازمة نغز العدو و الرجل مُرَابِطٌ. [رابط به حضور در مرزهای دشمنان است؛ و «رابط» به فاعلش می‌گویند]

کتاب العین ج ۷ ص ۴۲۲

این قول لغوی را روایاتی تأیید می‌کند؛ مانند کافی ج ۲ ص ۸۱.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ بَقَا الْأَرْضُ الَّتِي كَانَ يُعْبُدُ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ أَبْوَابُ السَّمَاءِ الَّتِي كَانَ يُضَعَدُ فِيهَا بِأَعْمَالِهِ وَ ثَلَمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمَةً لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ لِأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ الْفُقَهَاءَ حُضُونُ الْإِسْلَامِ كَحِصْنِ سُورِ الْمَدِينَةِ لَهَا.

امام هفتم علیه السلام فرمود: چون مؤمن بمیرد فرشتگان و صومعه‌های زمینی که خدا را در آن عبادت می‌کرده و درهای آسمانی که اعمالش از آنها بالا می‌رفته بر او گریه کنند و در اسلام رخنه‌ای افتد که چیزی آن را نبندد زیرا مؤمنین دانشمند دژهای اسلام‌اند مانند دژهای اطراف شهر. [مصطفوی]

الکافی، ج ۱، ص ۳۸

حصن: الحاء و الصاد و النون أصل واحد منقاس و هو الحفظ و الحياطة و الحِرز. [ماده حصن به معنای حفظ و مراقبت است]

معجم المقایس، ج ۲، ص ۶۹

۳. همان

۴. فَمِنْ ذَلِكَ مَا حَدَّثَنِي بِهِ السَّيِّدُ الْعَالِمُ الْعَابِدُ أَبُو جَعْفَرٍ مَهْدِيُّ بْنُ أَبِي حَرْبٍ الْحُسَيْنِيُّ الْمَرْعَشِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الصَّدُوقُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ الدُّورِيسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ السَّعِيدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسَّرِ الْأَسْتَرَّابَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو يَعْقُوبَ يَوْسُفُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ زِيَادٍ وَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَيَّارٍ وَ كَانَا مِنَ الشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ قَالَا حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام عَنْ قَالَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام غُلَمَاءُ شَيْعَتِنَا

جمهوری اسلامی اندکی تغییر پیدا کرده و تبدیل به شورای نگهبان شده است ولی این مسئولیت ما را کم نمی‌کند. آخر تلقی اولیه بعضی این است که تا به آنها می‌گویید که الآن فلان اتفاق افتاده است می‌گویند که به شورای نگهبان بگویید. شورای نگهبان وسط میدان است و کارهایی می‌کند ولی این دلیل بر این نیست که ما مرابط نباشیم و ورود جدی به صحنه نکنیم؛ بنابراین از الگوی فعلی نگهداری از نظام باید این سؤال‌ها را پرسید و مطرح کرد.

مطلب سوم جلسه که اگر توفیق پیدا کنم می‌توانم آن را خوب تشریح کنم این است که مبنای الگوی نگهداری از نظام چیست؟ آن بی‌ای که ما می‌خواهیم بر مبنای آن الگوی جدیدی را بسازیم چه مفهوم و اصلی است؟ این ساختمان جدید و شامخ الگوی نگهداری از نظام بر روی چه بتن آرمه و مبنای مفهومی سدید قرار است پایه گذاری شود؟ این تقریباً مهم‌ترین بخش جلسه ماست که باید روی آن بایستیم. به لحاظ مفهومی باید یک اصل جدید فقهی پایه گذاری کنیم. با اصل‌های فعلی فقهی نمی‌توانیم الگوی جدید را برای نگهداری از نظام پایه ریزی کنیم. آن اصل فقهی چیست و باید چطور به آن پردازیم را در بخش سوم طرح می‌کنم. عرض می‌کنم که گل بحث و اصل بحث ما همین سؤال سوم است که نگهداری جدید را قرار است بر روی چه اصل فقهی ای پایه ریزی کنیم.

بخش چهارم جلسه ساختار الگوی جدید نگهداری از نظام و سازوکارهای اجرایی آن را تشریح می‌کند. روندهای عملیاتی الگوی جدید نگهداری از نظام را تشریح می‌کند که به آن خواهیم پرداخت.

در نهایت در سؤال پنجمی که در این جلسه بحث خواهیم کرد اولیت‌هایی را که با استفاده از الگوی جدید نگهداری از نظام به آنها خواهیم پرداخت را شرح می‌دهم. کدام حوزه‌ها اولیت دارد؟ در فضای اجرایی نمی‌توان همه امور را هم زمان جلو برد و باید بر اساس اولیت بندی کار کرد؛ بنابراین سعی می‌کنم اولویت بندی الگوی جدید نگهداری از نظام را محضر دوستان تشریح کنم.

در مجموع می‌خواهم این پنج بخش را خدمت دوستان تقدیم کنم.

پیشاپیش نیز عذرخواهی می‌کنم که جلسات تخصصی الگوی پیشرفت به لحاظ مفهومی و زمانی جلسات سنگینی است و چاره‌ای غیر از این نیز نداریم. من نگرانم که کمبود وقت باشد و دیگرانی که از بیرون ما را نظاره می‌کنند که اکثر آنها نیز نخبگان هستند - چون ما برای بخش‌های مفهومی پشتیبانی از نظام وقت خوب نمی‌گذاریم - احساس کنند که در حوزه علمیه قم راه حل وجود ندارد. در حالی که من فکر می‌کنم که شکل جلسات ما معیوب است؛ جلسات ما، جلسات همایشی و تشریفاتی است و ما اندکی سعی کرده‌ایم که از این فضای تشریفاتی خارج شده و یک مقدار جدی‌تر بحث کنیم که حتی اگر نخبه‌ای صوت جلسه‌ای و یا متن پیاده شده یکی از جلسات تخصصی در قم را نگاه می‌کند بوی اندیشه را استشمام کند و اجمالاً طرح جدید را ببیند و در او شوق ایجاد شود. من با توجه به تجربه دو دهه‌ای که در امورات فقه جدید در قم داریم و

مُرَابِطُونَ فِي النَّعْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَقَابِيَّتُهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ التَّوَابِعُ إِلَّا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفٍ مَرَّةً لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِ مُجِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «علمای شیعه ما همچون مرزداران، مانع بورش ابلیس به شیعیان ناتوان شده و جلوی غلبه ناصبان شیطان صفت را می‌گیرند. پس بدانید هر که این گونه در مقام دفاع از شیعیان ما برآید فضیلتش از جهادکننده با روم و ترک و خزر، هزار هزار بار بیشتر است، زیرا آن از کیش پیروان ما دفاع می‌کند و این از جسم آنان.» [جعفری]

شناختی که از رجال این حوزه و ظرفیت‌های فکری این حوزه داریم اگر فقط و فقط دستگاه‌های میانی ما مثل سازمان محترم تبلیغات که بانی این جلسه هستند و سازمان‌های دیگر اگر فقط آیین نامه برگزاری جلساتشان را تغییر دهند، از کلی گویی عبور می‌کنیم و ان‌شاء الله حرف‌های کاربردی زیادی از قم شنیده خواهد شد. اگر این اتفاق بیفتد دیگر غرب گراها خودشان را ترمیم نمی‌کنند و تئوری‌های فصیل شده خودشان را به عنوان راه حل به مردم تحمیل کنند. من این مسئله را نیز عرض کنم که واقعاً شرمنده ولی عصر ارواحنا فداه هستیم که چهل سال بعد از استقرار نظام با برکت جمهوری اسلامی مجبوری سه - چهار ساعت بشینیم و حرف بزیم. ای کاش این مباحثات مثل رسائل و مکاسب می‌شد و جمعیت‌هایی حاضر بودند که هر روز صبح در مدرسه حضرت آقای گلپایگانی و مدرسه فیضیه و مدرسه خان جمع شوند و مباحثه و گفتگو کنیم و آن روز شما خواهید دید که با سرعت بیشتری به سمت ظهور حرکت می‌کنیم و نگهبانی جدی‌تری اتفاق می‌افتد. البته ممکن است که نشست ما یک نشست جدی به نظر بیاید ولی مگر امکان دارد که با سه الی چهار ساعت به مسئله ورود پیدا کرده و نظام سازی کرد. ما در همین هفته آنالیز اجمالی‌ای بر روی جلسات نظام سازی‌ای که در قم برگزار می‌شود انجام دادیم. بزرگ‌ترین این جلسات شش الی هفت هفته طول می‌کشد و این یعنی کمتر از صد ساعت بحث که با اساتید مختلف است و هر استادی حداکثر سه الی چهار ساعت وقت دارد که یک بحثی را بگوید. خوب با این حجم از مباحثه هیچ کاری در عینیت اتفاق نمی‌افتد. باید حتماً حجم مباحثات ارتقاء پیدا کند که البته حکمت‌های زیادی در این مسئله است. من فکر می‌کنم که اگر ساختار همایش‌ها و نشست‌های تخصصی ما تغییر پیدا کند، بحث‌های جدی از بحث‌های رونمایی و بحث‌هایی که فنی نیستند و خیلی در آنها اتقان تحقق پیدا نکرده است به صورت طبیعی جدا سازی می‌شوند و نخبگان می‌توانند بین چند گزاره راه حل نهایی را انتخاب کنند. به هر حال راجع به زمان جلسه نیز از شما عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم در این وقت محدود بتوانم مسئله را تشریح کنم.

۱. سؤال اول: در حال حاضر با چند دسته سند بین المللی روبرو هستیم؟

خیلی خوب به سؤال اول برگردیم. سؤال اول این است که ما با چند سند بین المللی رو به رو هستیم و اسناد بین المللی در کشور چند عدد هستند؟ خود این سؤال سه ساختار بحث دارد که باید به آن پردازیم. من اجمال آن را عرض کنم.

۱/۱. بحث از تاریخچه اسناد بین المللی؛ یکی از مباحثات سؤال اول

یکی از مباحثات این است که ما باید تاریخچه اسناد بین المللی را بررسی کنیم. من همیشه در جلسات عرض می‌کنم که مثلاً وقتی جنگ جهانی تمام شد یک عده انسان سیاسی و اندیشمند غربی در جلسه نشسته‌اند و بیانیه فیلادلفیا^۵ را نوشته‌اند. از آن موقع تا الآن چارچوب سازمان بین المللی کار بر اساس بیانیه فیلادلفیا است و راجع به بیانیه فیلادلفیا در کشور ما و خصوصاً در حوزه‌های علمیه کمتر بحث شده است. این اتفاق تلخ زمانی تلخی این حس می‌شود که ما همه توجه کنیم که درس اصلی در حوزه علمیه فقه مکاسب است؛ یعنی ما بیش از هر درس دیگری در حوزه مکاسب می‌خوانیم. تقریباً در

۵. The General Conference of the International Labour Organization, meeting in its Twenty-sixth Session in Philadelphia, hereby adopts, this tenth day of May in the year nineteen hundred and forty-four, the present Declaration of the aims and purposes of the International Labour Organization and of the principles which should inspire the policy of its Members... کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در بیست‌وششمین اجلاس خود در فیلادلفیا در تاریخ ۱۰ مه ۱۹۴۴ اعلامیه حاضر را درباره اهداف و مقاصد سازمان بین‌المللی کار و اصولی که باید الهام‌بخش سیاست اعضای آن باشد به تصویب می‌رساند... جهت مشاهده متن کامل این بیانیه می‌توانید به لینک زیر مراجعه کنید:

سطح درس اصلی همه طلبه‌ها مکاسب محرمه است و در خارج نیز تعداد زیادی درس خارج مکاسب وجود دارد؛ یعنی انتظار منطقی که منطق آن نیز منطق فقه است، این است که حوزه با اتکای به این دروس حوزه مشاغل را سازمان دهی کند. حداقل استانداردها و کسب مردم باید در اختیار حوزه باشد. چارچوب‌های آن را باید حوزه علمیه بنویسد.

داخل پراتنز من یک خاطره تعریف کنم؛ من به یکی از آقایان که آخوند ملایی هستند و کفایه تدریس می‌کنند، می‌گفتم که شما نظام‌سازی را چطور مدیریت و تئوریزه می‌کنید؟ ایشان به بنده گفتند که من مصاحبه‌ای کرده‌ام و در آن مصاحبه گفته‌ام که این مسئله باید از باب اصول عملیه^۶ انجام شود. بنده گفتم که یعنی شما معتقدید که حوزه نظام‌سازی ما لا نص فیہ است؟ که ارجاع به اصول عملیه می‌دهید. خیلی مناقشه در اینجا وجود دارد. برخی می‌گویند که اصلاً فقه نظام وجود ندارد^۷ و اینگونه حرف می‌زنند که فقه نظام را باید بر اساس اصول عملیه حل کرد. از این نوع مباحث زیاد است. سؤال اصلی ما در شورای راهبردی از این دوستان در حوزه علمیه این است که سلماً ما فعلاً مناقشه نمی‌کنیم که نظام‌سازی چگونه یا اینکه نظام‌سازی در اسلام داریم یا نداریم مانند آنچه که آن استاد محترم در چند وقت پیش فرمودند ولی یک سؤال می‌کنیم که ما مکاسب داریم یا نداریم؟ این حوزه مکاسب ما چقدر می‌تواند یا باید بتواند در حوزه بازار ایران و شغل ایران تأثیر بگذارد؟ خب اگر شما تاریخچه رفتار علما در مکاسب را بررسی کنید، می‌بینید که در حوزه علمیه اصفهان در دوره صفویه در هجره‌های متعدد بازار اصفهان صبح به صبح درس مکاسب وجود داشته است؛ یعنی بازاری‌ها ابتدا در درس مکاسب شرکت می‌کردند و بعد هجره‌های خود را باز می‌کردند. این یعنی علمای اصفهان چه کار می‌کردند؟ یعنی لا اقل با تدریس مکاسب در بازار، مدیریت حوزه شغل و کسب و کار مردم را متکفل می‌کردند و برای مردم استدلال می‌کردند که چرا مکاسب محرمه نباشد و اقاله چیست و تجارت به چه صورت است و همه این موارد را برای مردم توضیح می‌دادند. حتی اگر این نگاه حداقلی داشته باشیم، این حوزه با این اساتید و این دروس متهم است چرا که مکاسب خود را صبح به صبح می‌گویند ولی بازار کنار آنها درس مکاسب ندارد. البته بازاری متدینی پیدا می‌شود و از آن عالم سؤال خود را می‌پرسد اما این عالم نمی‌آید و متکفل ایجاد نظم در بازار شده و نظم بازار را کنترل کند. وقتی در حوزه علمیه قم وضعیت به این شکل است در سایر جاهای کشور به طریق اولی مسئله به همین شکل است. وقتی اساس حوزه‌های علمیه به این میزان به مسئله مدیریت بازار بی تفاوتی می‌کند با اینکه پیامبر فرمود: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»^۸. با اینکه پیامبر اینگونه فرموده‌اند و ما روایات مفصلی در روایات حوزه

۶. الأصول العملية: و هي آلتی ينتهي اليها المجتهد بعد الفحص والياس عن الظفر بدليل مما دل عليه حكم العقل أو عموم النقل و هي عبارة عن أحكام مجعولة في ظرف الشك بالحكم الشرعي بداعي التنجيز والتعذير دون ما نظر للكاشفة أو إصابة الواقع.

ترجمه: اصول عملیه آن دسته از قواعدی است که مجتهد پس از جستجوی از ادله و نا امیدي از دسترسي به دليل معتبري از حكم عقل یا نقل، به آنها مراجعه می‌کند و در واقع عبارت از احکام جعل شده‌ای در حال شک به حکم شرعی به غرض کشف معذور یا منجز بدون در نظر گرفتن کاشفیت یا اصابت این اصول به واقع است.

معجم المصطلحات الأصولية، ص ۳۲

۷. حجت الاسلام و المسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی، استاد درس خارج فقه حوزه علمیه قم:

«ما این مقدار که در فقه کار کردیم چیزی به نام نظام ندیده‌ایم این عناوین نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام قضایی نباید چشم و گوش ما را پر کند که بگوئیم اسلام نظام دارد. اسلام در هر زمینه‌ای احکام جزئی و قواعد دارد؛ اما چیزی به عنوان نظام ندارد. آقایانی که قائل به نظام اقتصادی هستند می‌گویند هر موضوعی در نظام اقتصادی با هم ارتباط تنگاتنگ دارد. در نظام اقتصادی موضوعات را منفرداً و مستقلاً نمی‌شود دید در فقه فردی هر موضوع مستقلاً را فقیه استنباط می‌کند ولی در بحث نظام باید همه موضوعات را با هم و در کنار هم در نظر گرفت.»

آدرس مشروح سخنرانی ایشان در دومین همایش نکوداشت مرحوم آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

۸. وَ قَالَ [رسول الله ﷺ]: الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

کسب داریم، این اتفاق در حال وقوع است. من به مناسبت بیانیهٔ فیلادلفیا این مسئله را مطرح کردم. آقایان چارچوب بازار ایران و دنیا را سازمان بین المللی کار می‌نویسد و نه حوزهٔ علمیه قم آن نیز در چارچوب بیانیه‌ای مانند بیانیه فیلادلفیا. حالا اینکه چارچوب‌های بیانیهٔ فیلادلفیا چیست و چه بلایی بر سر بازار کار می‌آورد بحث مستوفایی است ولی خلاصهٔ بحث این است که سنجه‌های بازار کار در چارچوب یک سند بین المللی و اجلاس‌های آمارشناسان دنیا می‌نویسند. ما در حوزهٔ علمیه قم سال به سال باید جلسه بگذرایم و اساتید فقه مکاسب جمع شده و چارچوب‌های بازار ایران را بر اساس شریعت محمد و آل محمد بنویسند. ولی این کار را نمی‌کنند. ببینید سؤال خیلی سؤال روشنی است. من دارم از استاد ارجمند جناب آقای فاضل لنکرانی و استاد ارجمند جناب آقای علوی بروجردی و استاد محترم جناب آقای نائینی و استاد محترم جناب آقای هادوی این سؤال را می‌پرسم. بحث من یک بحث سیاسی نیست، بلکه یک بحث طلبگی است؛ می‌گویم چه معنایی دارد که در حوزهٔ علمیه قم این همه درس مکاسب باشد ولی چهارچوب بازار کار ایران دست سازمان بین المللی کار باشد. از باب بناء عقلاء این را امضا می‌کنید؟! حتی اگر مبنای شما امضای عقلا و اقتصاد آزاد است آیا بررسی کرده‌ایم که چقدر از سنجه‌ها و چارچوب‌های سازمان بین المللی کار با شریعت ما تطابق و تعارض دارد؟ این یک سؤال فنی است که باید آن را پرسید. تقاضا می‌کنم که از اساتید این سؤالات را بپرسیم. حتی اساتید دورهٔ صفویه به این سؤالات پاسخ می‌دادند و نمی‌توان اینجا به این سؤالات پاسخ نداده. این چیزی نیست که راجع به آن اغماض کنیم. من پیشاپیش عرض کنم که دعوا و نزاع و تسویه حساب سیاسی و جنگ‌های قبیلگی و علیا و سفلا کار بدی است ولی سؤال کار خوبی است. این یک سؤال اساسی است. من به اصل بحث برگردم. شما می‌گویید که باید تاریخچهٔ اسناد بین المللی را بررسی کنیم و ببینیم که به لحاظ تاریخی چه اسنادی در چه حوزه‌هایی الان به کار گرفته می‌شود و راجع به آن بحث می‌شود. این یک سرفصل است.

۱/۲. بررسی سندهای در حال اجرای در ایران؛ دیگر سرفصل بحث از اسناد بین المللی

یک سرفصل دیگری که در بحث اسناد بین المللی داریم این است که همین الان بدون بررسی تاریخچه چند سند بین المللی در ایران در حال اجراست؟ ما در این دورهٔ جدید تحقیقاتمان اعلام کرده‌ایم که مشغول بررسی هفده بعلاوهٔ چهل و شش سند هستیم و در حال بررسی و گفتگو راجع به آن هستیم ولی معنای آن این نیست که ما هفده بعلاوهٔ چهل و شش سند داریم که الآن فی الجمله در حال اجراست و زمان انقضای آن سپری نشده است. من توضیحی بدهم که هفده و چهل و شش چیست. هفده همان هفده بخش سند توسعهٔ پایدار ۲۰۳۰ است.^۹ استحضار دارید که سند توسعهٔ پایدار ۲۰۳۰ هفده هدف اصلی دارد که

رسول خدا ﷺ فرمود: عبادت ده بخش است که نه بخش آن طلب روزی حلال می‌باشد.

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۳۹ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹

۹. هفده هدف اصلی سند توسعهٔ پایدار ۲۰۳۰ عبارتند از:

- هدف اصلی ۱. پایان دادن به فقر در همهٔ اشکال آن و در همه جا
- هدف اصلی ۲. پایان دادن به گرسنگی، تحقق امنیت غذایی و تغذیه بهتر و توسعهٔ کشاورزی پایدار
- هدف اصلی ۳. تضمین دارا بودن زندگی توأم با سلامت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین
- هدف اصلی ۴. تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه
- هدف اصلی ۵. دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همهٔ زنان و دختران
- هدف اصلی ۶. تضمین دسترسی به آب و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه
- هدف اصلی ۷. تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون به صرفه، مطمئن، پایدار و نوین

در حوزه‌های مختلف ورود پیدا کرده است. از حوزه رفع فقر گرفته تا حوزه غذا، گرسنگی، سلامت، آموزش، امور زنان، انرژی و بازار شغل ایران ورود پیدا کرده است. خوب است که حوزه علمیه قم بدانند که هدف اصلی هشتم از سند توسعه پایدار، مربوط به حوزه مشاغل و یا به تعبیر امروزی‌ها حوزه شغل است. هدف نهم بحث صنعتی سازی و اقتصاد صنعتی و ترویج مسئله نوآوری است. بحث نابرابری و عدم عدالت در کشورها و سکونت گاه‌های شهری است. مسئله الگوی مصرف و الگوی تولید است. مسئله تغییر اقلیم و اتفاقات زیست محیطی است. مسئله دریاها و اقیانوس‌ها است. مسئله مدیریت جنگل و بیابان‌زدایی و مسئله صلح و NGOها و مسئله همکاری‌های جهانی که هدف هفدهم است. هدفه حوزه که من به آنها اشاره اجمالی کردم. الان اسناد بین المللی راجع به این حوزه حرف می‌زند. خوب خود این هدفه حوزه به صد و شصت و نه هدف فرعی تبدیل می‌شود. اگر کسی این صد و شصت و نه مورد را بخواند، کاملاً متوجه می‌شود که هیچ حوزه‌ای در مسئله سبک زندگی نیست مگر اینکه اسناد بین المللی ورود کردند و بحث گفته‌اند!

من همیشه در جلسات می‌گویم: همه سبک زندگی‌ای را که انبیا گفتند، اسناد بین المللی درباره آنها حرف زده‌اند! اگر توصیه‌های انبیا را اصل بدانیم - که می‌دانیم! - باید ببینیم این توصیه‌ها با توصیه‌های انبیا چه مقدار در تعارض است؟ چه مقدار را نقض می‌کند؟ اگر این احتمال را دادیم که همه این اسناد بین المللی، توصیه‌های انبیا را نقض می‌کنند، می‌توان گفت نام این هجوم اسناد بین المللی، هجوم به هویت شیعی می‌شود و این یک واقعیت است و ادله آن کاملاً معلوم می‌شود. پس اینجا هدفه بخش وجود دارد که هر کدام صد و شصت و نه هدف فرعی دارد که اینها را ریز می‌کند و توضیح می‌دهد.

حال خود این هدفه بخش دارای ارجاع به چهل و شش سند و بیانیه دیگر هم هست. وقتی من «سند بین المللی» می‌گویم، منظورم یک معنایی عام است که همه اشکال اسناد بین المللی مانند بیانیه‌ها و پروتکل‌ها و قطعنامه‌ها و همچنین سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، اسناد پشتیبان آن، کتاب‌های مرجع آن را شامل می‌شود. مثلاً [سند توسعه پایدار] به بیانیه دوحه^{۱۰} ارجاع دارد.

-
- هدف اصلی ۸. ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره‌ور و اشتغال شرافت‌مندانه برای همه
- هدف اصلی ۹. ساختن زیربنای مقاومتی، ترویج صنعتی‌سازی پایدار و فراگیر و ترویج نوآوری
- هدف اصلی ۱۰. کاهش نابرابر در درون و میان کشورها
- هدف اصلی ۱۱. تبدیل شهرها و سکونت‌گاه‌های انسانی به مکان‌های همه‌شمول، امن، مقاوم و پایدار.
- هدف اصلی ۱۲. تضمین الگوهای پایدار تولید و مصرف
- هدف اصلی ۱۳. اقدام فوری برای رویارویی با تغییر اقلیم و آثار آن
- هدف اصلی ۱۴. حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایدار
- هدف اصلی ۱۵. پاسداشت، احیاء و ترویج استفاده پایدار از بوم‌سازگان‌های زمینی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زایی و توقف و معکوس‌سازی روند تخریب (یا فرسایش) زمین و همچنین متوقف ساختن تخریب تنوع زیستی
- هدف اصلی ۱۶. ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخ‌گو و فراگیر در همه سطوح
- هدف اصلی ۱۷. تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌ها جهانی برای تحقق توسعه پایدار
۱۰. موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights) به اختصار تریپس (TRIPS) موافقتنامه‌ای بین‌المللی است که به وسیله سازمان تجارت جهانی (WTO) مدیریت می‌شود و حداقل استانداردهای جهانی را برای قوانین مربوط به انواع مالکیت فکری در کشورهای عضو WTO تعیین می‌کند.

بیانیه دوحه در واقع تأکیدی در موافقت‌نامهٔ تریپس^{۱۱} است. موافقت‌نامهٔ تریپس در حوزهٔ مالکیت فکری است. همین‌الآن بخشی از این در مجلس ما در برخی از کمیسیون‌ها تصویب شده است.^{۱۲} ما مسئلهٔ مالکیت فکری را با مدلی که اسناد بین‌المللی می‌دهند، داریم تصویب می‌کنیم. در حوزهٔ علمیه حتی یک جلسه هم در این باره برگزار نشده است. البته اخبار جمهوری اسلامی گزارشی را علیه این طرحی که در مجلس هست، تولید کرد و با همان هم تمام شد!

همچنین بیانیهٔ آدیس‌آبابا^{۱۳} هم مطرح است. این چارچوب‌های مالی توسعهٔ جهانی را بحث می‌کند؛ یعنی مسائل پولی و مالی ای را که قرار است برای توسعه در دنیا اتفاق بیافتد، چارچوب‌های آن در بیانیهٔ آدیس‌آبابا است. در واقع فرم خاصی را برای تجارت جهانی ما مطرح می‌کند. راجع به اینها بحث و بررسی و گفتگو شکل نمی‌گیرد.

مثلاً فرض بفرمایید اگر ما حوزهٔ علمیهٔ مطلوب داشتیم، الان باید موافقت‌نامهٔ تریپس را در درس خارج‌ها بحث می‌کردیم که این چه طوری است؟ یا مثلاً الان این مسئلهٔ آدیس‌آبابا و چارچوب‌های مرتبط با آن را که تنظیم تجارت بین‌الملل ما را بر عهده می‌گیرد، باید بحث می‌کردیم ولی الان راجع به آن گفتگو نمی‌شود. باز تکرار می‌کنم که چهل و شش سند بین‌المللی دیگر هم در میان است.

ما فعلاً به صورت اجمالی مشغول این بستهٔ بزرگ اسناد بین‌المللی هستیم. من با اینکه خیلی در این حوزه‌ها بحث آماده دارم ولی چون نمی‌خواهم بحث فنی کنم، تنها می‌گویم حداقل این مجموعهٔ هدفهٔ بعلاوهٔ چهل و شش را که بنده عرض می‌کنم در لاقفل در چهل مورد مهم، تعریفی را ارائه داده است که آن تعریف، در تعارض با تعریفی است که دستگاه پیامبران ارائه داده و تفکر شیعی به آن معتقد است و الان هم در حال اجراست و راجع به آن بحث و بررسی می‌شود!

من چند مورد را مثال بزنم؛ البته در بخش پنجم این موارد را بیشتر مطرح می‌کنم.

من اجمالاً موردی را مطرح می‌کنم تا تعارض آن معلوم شود: مثلاً فرض بفرمایید ما در بخش یازدهم سند توسعهٔ پایدار این عبارت را داریم: «تبدیل شهرها و سکونت‌گاه‌های انسانی را به مکان‌های همه‌شمول، امن، مقاوم و پایدار» می‌گویند ما می‌خواهیم کاری کنیم که سکونت‌گاه‌های بشری و خانه‌هایی که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند، همه‌شمول و امن و مقاوم و پایدار باشد. آن‌ها یک سری اوصاف این چنینی بحث کرده‌اند که البته وقتی ذیل آنها را که می‌بینید مثلاً جزوهٔ «شهر دلخواه من»^{۱۴} که بعضی از مراکز [مطالعاتی] مرتبط با موضوع شهر [شناسی] تنظیم کرده‌اند را بگیرید و مطالعه کنید. آنجا این را شرح داده که این لفظ «امن» و «پایدار» و «همه‌شمول» و «مقاوم» یعنی چه؟ آن‌ها تعریفی از خانه ارائه دادند. شما این تعریف را در کنار تعریف انبیا از خانه در ذیل روایات دار و واسعه بگذارید. در روایات اوصافی را برای خانه گفته‌اند.

۱۱. همان

۱۲. اشاره به کنواسیون پرن

۱۳. دستور کار اقدام آدیس‌آبابا، مربوط به سومین کنفرانس بین‌المللی تأمین بودجه‌ای برای توسعه (که به عنوان دستور کار آدیس‌آبابا از آن یاد می‌شود) توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۶ جولای ۲۰۱۵ (قطعه‌نامه ۳۱۳/۶۹) تصویب شد.

۱۴. سیامک مقدم، رئیس دفتر هیئتات ایران گفت: «شهر دلخواه من»، به عنوان شعبه‌ای از کمپین جهانی شهری به سوی سومین کنفرانس سازمان ملل متحد در زمین مسکن و توسعه شهری پایدار و ارائه شهر دلخواه ایرانیان به این کنفرانس فعالیت می‌کند.

خبرگزاری تین نیوز / ۱ خردادماه ۱۳۹۵ / کد خبر: ۸۹۴۷۸

برای مشاهدهٔ اطلاعات بیشتر در خصوص شهر دلخواه من (کمپین شهری جهان) به سایت هیئتات ایران رجوع کنید: irhabitat.ir

این روایات با تغییر مفهوم در تشکیل «خانواده روایت»، خیلی روایات پر دامنه‌ای می‌شوند. بعضی وقتی می‌خواهند «خانواده روایت» تشکیل دهند، «روایات هم لفظ» را می‌آورند و یا «روایات هم معنا» را می‌آورند. ما در مباحثات اصولی گفتیم با «روایات هم جهت» باید «خانواده» تشکیل داد.

اگر با مبنای اصولی ما خانواده روایت تشکیل دهیم، بیش از ۴۰۰ تا ۵۰۰ روایت در حوزه مسکن و منزل پیدا می‌شود که باید بحث کنیم؛ مثلاً حضرت علیه السلام می‌فرمایند: «شرفها السَّاحَةُ الوَاسِعَةُ»^{۱۵} می‌فرماید شرف خانه به حیاط بزرگ آن است. حضرت علیه السلام دارند از مفهوم قابل فهمی مثل «شرافت» استفاده می‌کنند و سپس آن را از انسان به خانه تعمیم می‌دهند و می‌فرمایند خانه‌ها هم بر اساس شرف تقسیم بر دو می‌شود: خانه‌هایی که شرف دارند و خانه‌هایی که شرف ندارند و شرف را هم به حیاط می‌دانند.

قیدهای دیگری هم در روایات هست، مثلاً خانه باید حریم داشته باشد.^{۱۶} خانه باید با قید همسایه سنجیده شود.^{۱۷} قیدهای زیادی در روایات هست که من الآن نمی‌خواهم اشاره کنم. مستفاد از همه این قیودی که در روایات هست - بنابر جمع‌بندی ما از روایات دار واسعه - این است که خانه، ابزار اصلی تنظیم روابط انسانی است؛ یعنی اگر کسی خانه خود را با تصویر سازمان ملل در قالب آپارتمان انتخاب کرد، روابط انسانی او به چالش کشیده می‌شود؛ اما اگر خانه را با تعریف دار واسعه انتخاب کنیم، روابط انسانی تکامل پیدا می‌کند و یک زندگی بهتری برای بشریت طراحی می‌شود؛ مثلاً مصادیق روابط انسانی، رابطه انسان با فرزندش است. از حقوق فرزند، حکم بازی کودکان است. اگر پدر و مادری مسئله بازی کودکان را فهم نکرد، «الولد یَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ»^{۱۸} یا «الغلام یَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ»^{۱۹} را فهم نکرد، بچه او در آینده عقده‌ای شده و دچار چالش‌های تمام نشدنی

۱۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: إِنَّ لِلدَّارِ شَرَفًا وَ شَرَفَهَا السَّاحَةُ الوَاسِعَةُ وَ الخَلْطَاءُ الصَّالِحُونَ وَ إِنَّ لَهَا بَرَكَهً وَ بَرَكَتَهَا جُودَةٌ مَوْضِعَهَا وَ سَعَةٌ سَاحَتِهَا وَ حُسْنُ جَوَارِ جِيرَانِهَا.

از امیرالمؤمنین نقل شده است: «برای هر چیزی شرفی است و شرف خانه وسعت صحن خانه و معاشران و آمیزش کنندگان صالح می‌باشد و برای خانه برکتی است و برکت آن خوب بودن مکان آن و وسعت صحن و خوبی همسایگان آن است.»

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

۱۶. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهَا رَاحَةٌ دَارٌ وَ أَسِعَةٌ تَوَارِي عَوْرَتُهُ وَ سُوءٌ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا ...

امام صادق فرمود: آسایش مؤمن در سه چیز است خانه وسیعی که وضع خانوادگی و بدحالی او را از مردم پنهان دارد و همسر نیکوکاری که در کار دنیا و آخرت یارش باشد و ... [ترجمه از احمد فهري]

کافی ج ۶ ص ۵۲۵

۱۷. (خُطْبَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ هِيَ خُطْبَةُ الوَسِيلَةِ) مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عِكَابَةَ التَّمِيمِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الثَّغَرِيِّ الْفَهْرِيِّ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ ... قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام ... إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حَطَبَ النَّاسَ بِالْمَدِينَةِ بَعْدَ سَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنْ وَقَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ ذَلِكَ حِينَ فَرَّغَ مِنْ جَمْعِ الْقُرْآنِ وَ تَأْلِيْفِهِ فَقَالَ ... سَلَّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ.

امام باقر فرمود: امیرالمؤمنین عليه السلام در مدینه منوره پس از ۷ روز که از وفات رسول خدا ص گذشته بود، در هنگامی که از تدوین و تألیف قرآن کریم فارغ شدند خطبه‌ای ایراد کرده و فرمودند: ... قبل از عزم سفر از رفیقی در راه آگاه شوید و قبل از [بررسی خانه‌ای برای انتخاب مسکن خود] از همسایگان آن مطلع شوید.

کافی ج ۸ ص ۱۸

۱۸. قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ أَلْزِمُهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنَّ أَلْفَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مَعْنٌ لَا حَیْرَ فِيهِ.

امام صادق عليه السلام فرمودند: «کودک خود را تا هفت سال به بازی رها کن و هفت سال دیگر او را تحت تربیت و آموزش قرار ده و هفت سال با خود هم‌دم و هم‌راز ساز. پس اگر در صراط حق بود و از باطل گریزان و سعادت خود را دریافت که بسیار خوب و اگر نه امید خیری در وجودش نخواهد بود.»

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۹۲

می‌شود. بازی خیلی مسئله مهمی است. بازی باید در کجا نهادینه شود؟ باید در خانواده‌ها نهادینه شود. الآن خانه‌های شما به شکل آپارتمان است و در مسئله بازی کودکان چالش جدی ایجاد شده است. اگر فرض کنیم بچه در صحن آپارتمان بازی کند، منجر به سلب آسایش اعضای خانه و همسایه‌ها و همچنین سلب امنیت اسباب منزل می‌شود و اگر فرض کنیم بازی در کوچه‌ها بیاید، کودک آزاری اصل می‌شود! شما می‌دانید یونسکو امروز را به نام «روز جهانی کودک» قرار داده است.^{۲۰} مسئله کودک آزاری پدیده‌ای جهانی شده و در ایران هم در حال افزایش است. علت آن چیست؟ علت اصلی این است که بازی به کوچه‌ها منتقل شده است. راه حلی هم در اسلام هست که می‌گوید دار و اسعه بسازید و بازی را به حیاط خانه ببرید تا از این دوگانه‌ای که چالش دارد عبور پیدا کرده و رهایی پیدا کنید. اینکه می‌گویم اگر تعریف غلط خانه را انتخاب کنید، روابط انسانی به چالش کشیده می‌شود، در یک مصداق مهم آن روابط انسانی پدر و مادر با فرزندانشان است.

یک قسمت دیگر احکام صلّه رحم است. همین الآن که ما داریم در حوزه علمیه قم این سوگنامه و مصیبت نامه اسناد بین المللی را مرور می‌کنیم، الآن مهمانی‌ها در همین قم و همچنین شهر تهران به پارک‌ها انتقال پیدا کرده است! یعنی شما دیگر پدیده مترقی صلّه رحم در خانه را یا ندارید و یا کمتر دارید! پدیده مبارک شب نشینی‌ها را که در قدیم بود، هم این چنین است. در شب نشینی، قصه و بررسی غصه‌ها و دردهای بزرگترها و همچنین اکرام بود. این‌ها تقریباً حذف شده یا کمتر شده است.

به چه علتی مسئله صلّه رحم به چالش کشیده شده است؟ مگر این همه پیامبر به مسئله صلّه رحم توصیه نکردند، پس چرا دچار چالش شده است؟ علت اصلی این است که خانه‌ها ظرفیت صلّه رحم ندارد. خانه طوری است که هم مهمان و هم صاحب خانه متأذی است. این هم یک بخش دیگر از روابط انسانی است. شما هم مسئله همسایگی و حقوق همسایگی را اضافه کنید. در آپارتمان‌ها بنابر گزارش‌های مکرر نیروی انتظامی، پرونده‌های اختلاف و نزاع در حال افزایش است. آیا ساکنین آپارتمان‌ها نمی‌خواهند حقوق یکدیگر را رعایت کنند یا نمی‌توانند این کار را بکنند؟ مثلاً بازی فرزندشان به طور طبیعی برای همسایه ایجاد چالش می‌کند. ما در بحث خانه گفته‌ایم که ۱۰ دسته از احکام اصلی مثل حکم بازی کودکان، حکم صلّه رحم و حکم رعایت حقوق همسایگی با تعریف غلطی که سازمان ملل از مسکن ارائه داده و وزارت مسکن و شهرسازی ما در قالب مقررات ۲۲ گانه ساختمان^{۲۱} هم آن را تئوریزه کرده، در حال به چالش کشیده شدن است! ببینید وقتی می‌گویم با تعریف غلط روبرو هستیم، این یک مصداق آن است.

۱۹. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْغُلَامُ يُلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكُتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْخَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.

امام صادق علیه السلام فرمود: کودک هفت سال بازی می‌کند و هفت سال [خواندن و] نوشتن فرامی‌گیرد و هفت سال حلال و حرام می‌آموزد.

کافی، ج ۶، ص ۴۷

۲۰. ۲۹ آبان ماه یا ۲۰ نوامبر

۲۱. مقررات ملی ساختمان مجموعه قوانین لازم‌الاجرای در ۲۲ مجلد است که توسط دفتر تدوین مقررات ملی ساختمان ذیل مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی طراحی می‌شود؛ عناوین مجلدات این قانون به این شرح است: مبحث اول: تعاریف / مبحث دوم: نظامات اداری / مبحث سوم: حفاظت ساختمان‌ها در مقابل حریق / مبحث چهارم: الزامات عمومی ساختمان / مبحث پنجم: مصالح و فرآورده‌های ساختمانی / مبحث ششم: بارهای وارد بر ساختمان / مبحث هفتم: پی و بی‌سازی / مبحث هشتم: طرح و اجرای ساختمان‌های با مصالح بنایی / مبحث نهم: طرح و اجرای ساختمان‌های بتن آرمه / مبحث دهم: طرح و اجرای ساختمان‌های فولادی / مبحث یازدهم: اجرای صنعتی ساختمان‌ها / مبحث دوازدهم: ایمنی و حفاظت کار در حین اجرا / مبحث سیزدهم: طرح و اجرای تأسیسات برقی ساختمان‌ها / مبحث چهاردهم: تأسیسات مکانیکی / مبحث پانزدهم: آسانسورها و پله‌های برقی / مبحث شانزدهم:

من به سازمان برنامه و بودجه و آقایان وزارت مسکن زیاد گفته‌ام: برادران من، چرا باید هییتات^{۲۲} در ایران بر اساس این تعاریف غلط نقش آفرینی کند؟ هییتات برنامه مسکن ملل متحد است. چرا باید مبنای فکری شما بر اساس بخش یازدهم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ باشد؟ خوب بیایید وقت بگذارید و بر اساس تعریف دار و توسعه و تعاریفی که در ابواب روایی ما هست، تعریفی را ارائه کنیم. البته بحمد الله من دیده‌ام که بعضی دروس در حوزه علمی قم شروع شد و می‌توان این مباحثات را پیگیری کرد ولی حتی اگر بگوییم آن دروس هم در نیمه راه هستند، حداقل یک بسته آماده در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی وجود دارد. ما بحثی تفصیلی راجع به مدیریت شهری و مسکن انجام دادیم. اگر من حتی نخواهم به طور مجدد به منابع رجوع کنم، مجموعه ما الآن قدرت برگزاری حداقل ۱۰۰ جلسه را در این مسئله دارد. می‌توان تعریف مسئله مسکن را تغییر داد و آن را بهینه کرد. البته باید راجع به این فکری کرد. من تنها خواستم مثالی بزنم و بگویم اینکه تعارض تعریفی داریم، چگونه است.

من یک مثال دیگر بزنم و از سؤال اول عبور کنم. ما در بخش سوم سند توسعه پایدار به مسئله سلامت می‌پردازیم. تعریف سلامت از نظر بخش سوم سند توسعه پایدار این است: «تضمین دارا بودن زندگی توأم با سلامت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین». باز بنابر روال سند نویسی های بین المللی، ظاهر عبارت شیک و قابل دفاعی است. آن‌ها می‌گویند قرار است در حوزه سلامت تضمین اتفاق بیافتد. حال اینجا سؤالی پیش می‌آید که فنی است، امیدوارم آقایان همچنین به عرایض بنده به عنوان یک سؤال نگاه کنند. مثلاً سؤال این است که اساساً ارزیابی سلامت بر اساس جزء محور امکان دارد یا بر اساس نگاه کل محور؟ ببینید در طب موجود می‌گویند: واحد اولیه سلامت و واحد اولیه حیات، سلول است.^{۲۳} اگر کارکرد سلول هم مختل

تأسیسات بهداشتی / مبحث هفدهم: لوله‌کشی گاز طبیعی / مبحث هجدهم: عایق‌بندی و تنظیم صدا / مبحث نوزدهم: صرفه‌جویی در مصرف انرژی / مبحث بیستم: علائم و تابلوها / مبحث بیست و یکم: پدافند غیرعامل / مبحث بیست و دوم: مراقبت و نگهداری از ساختمان‌ها.
۲۲. برنامه اسکان بشر ملل متحد (هییتات) برای زندگی شهری بهتر تلاش می‌کند. رسالت هییتات ترویج و ارتقاء توسعه اجتماعی و زیست‌محیطی اسکان بشر و دستیابی به هدف مسکن درخور برای عموم است. هییتات می‌کوشد تا با پیشگامی در فرایند شهری‌شدن و ترویج تغییر سیاست‌ها، روش‌ها و نگرش‌های مقابله با نیازهای توسعه شهری، رشد شهرها و مناطق روستایی را به فرصتی برای توسعه تبدیل کند؛ فرصتی فراگیر برای همه شهروندان.
دفتر هییتات در ایران در سال ۱۳۸۸ با تمرکز بر موضوع کاهش آثار خطرات و بلایای طبیعی و بر اساس موافقت‌نامه‌ای بین برنامه اسکان بشر ملل متحد و دولت جمهوری اسلامی ایران تأسیس گردید.

نقل از سایت هییتات به آدرس: unhabitat.org.ir

سایت هییتات متعلق به سازمان ملل:

The City of Qazvin, Iran, to pilot the City Prosperity Initiative - Metropolitan Cities (CPI-MC) to monitor urban SDGs

شهر قزوین، میزبان آزمایشی طرح «آبادانی شهر» برای پایش اهداف ۱۷ گانه توسعه

آدرس مطلب در سایت هییتات: unhabitat.org/the-city-of-qazvin-iran-to-pilot-the-city-prosperity-initiative

۲۳. تعریف حیات در نگاه زیست‌شناسان برتر دنیا متفاوت است؛ البته که در نگاه آنان، تعریف حیات به محوریت سوخت‌وساز شیمیایی درون سلول (متابولیسم) و نوپافتگی سلول (اتوپوز) بیشتر به چشم می‌آید، در هر صورت می‌توان اذعان کرد که تقریباً قریب به اتفاق آنان، سلول را محور حیات موجودات می‌دانند. به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود:

ژاک مونو (برنده جایزه نوبل فیزیولوژی): رفتار هدفمند، ریخت‌زایی خودمختار و عدم تنوع تولیدمثلی. [۱]

ارنست مایر (برنده جایزه کرافورد و از مشهورترین زیست‌شناسان سده بیست): پیچیدگی و سازمان‌بندی، یکتایی شیمیایی، کیفیت، یگانگی و گوناگونی، داشتن برنامه‌ی ژنی، طبیعت تاریخی، انتخاب طبیعی و عدم قطعیت. [۲]

دنیل کوش لندجر تحلیلی مبتنی بر ترمودینامیک به این شرح ارائه داده است: برنامه، بداهه، کد، کده‌بندی، انرژی، ترمیم، سازگاری و جدایی از محیط پیرامون.

[۳]

کلاروس امکه می‌گوید: حیات یعنی انتخاب طبیعی اجزای هم‌تاساز. [۴]

مینارد اسمیت: «موجوداتی که صفات تکثیر، تنوع و وراثت را دارند، زنده‌اند در حالی که موجوداتی که یک یا چند تا از این صفات را ندارند، زنده نیستند» [۵]

شود، سلامت به چالش کشیده می‌شود. اگر کارکرد سلول تکامل پیدا کند و بهینه شود، سلامت حفظ می‌شود. وقتی می‌خواهند راجع به سلامت بحث کنند، طب سلولی که پایهٔ سلامت را «سلول» - به معنای اتاقت کوچک - می‌داند، هر دقتی که می‌کنند در درون سلول است. می‌روند راجع به درون سلول به طور مفصل تحقیق می‌کنند. ۱۵ تا ۱۶ رشتهٔ تخصصی راجع به سلول بحث می‌کنند. مثلاً می‌گویند هستهٔ سلول غیر از پوستهٔ سلول است. درون هستهٔ سلول ژنوم وجود دارد. همچنین مولکول‌های زیستی^{۲۴} را بحث می‌کنند. فرآیند ترکیب مولکول‌های زیستی را بحث می‌کنند. متابولیسم^{۲۵} و آنابولیسم^{۲۶} را شرح می‌دهند. همهٔ اینها اتفاقات درون سلول است. آن‌ها وقتی می‌خواهند راجع به غذا هم بحث کنند و بگویند چه غذایی خوب و چه غذایی بد است، می‌گویند غذاها را با معیار «تأثیر بر سلول» و معیار «حاوی بودن مولکول‌های زیستی» ارزیابی می‌کنیم!

اتوپوز به معنای قابلیت یک موجود زنده (مانند یک سلول باکتری یا سلول مولتی ارگانیسم)، برای حفظ و بازتولید خود به وسیله تنظیم ترکیب و سیانت از مرزهای خود است. [۶] بر اساس این دیدگاه می‌توان تعریفی از مفهوم حیات ارائه داد. [۷] به این شکل که تمام موجودات طبیعی از کوچکترین باکتری‌ها تا بزرگترین ساخت‌های حیاتی از نیای مشترکی که تکامل یافته‌اند یعنی از اولین سلول، زنده شده‌اند. [۸] همچنین ناسا (اداره کل ملی هوانوردی و فضای آمریکا) در تعریف رسمی خود درباره حیات بیان داشته: موجود زنده یک سامانه‌ی شیمیایی خود سامانده است که قابلیت تکامل دارویی دارد. [۹]

و در آخر جمله‌ای از هاروی لودویس: سلول‌های تشکیل دهندهٔ بدنمان مانند خودمان، می‌توانند رشد کنند، تولید مثل نمایند، اطلاعات را پردازش کرده و به محرک‌ها پاسخ دهند. آن‌ها ترتیبی شگفت‌انگیز از واکنش‌های شیمیایی را انجام می‌دهند. این توانایی‌ها زندگی را تعریف می‌کنند. انسان و دیگر موجودات چندسلولی شامل میلیاردها یا تریلیون‌ها سلول سازمان‌یابی شده در ساختارهای پیچیده هستند، اما تعدادی از موجودات فقط یک سلول انفرادی دارند. با این حال حتی موجودات تک‌سلولی ساده تمام صفات مشخص‌کنندهٔ زندگی را نشان می‌دهند که این امر بر این موضوع دلالت دارد که سلول واحد اساسی زندگی است. [۱۰]

[۱] J. Monod (1997). *Chance and necessity*. New York: Knopf.

[۲] E. Mayr (1982). *The Growth of Biological Thought*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

[۳] D. E. Koshland Jr (2002). *The seven pillars of life*. Science. 295(5616): 2216-2215.

[۴] C. Emmeche (1998). *Defining life as a semiotic phenomenon*. *Cybernetics and Human Knowing*. 5(17): 3-17.

[۵] J. Maynard Smith (1986). *The problems of biology*. Oxford, UK: Oxford University Press.

[۶] Merriam-webster.com/dictionary/autopoiesis لغت‌نامهٔ وبستر:

[۷] J. Varela, in *Self-Organizing Systems: An Interdisciplinary Approach*, 1981

[۸] Lynn Margulis and Dorion Sagan, *What is Life?*, 2000

[۹] Astrobiology.nasa.gov/research/life-detection/about سایت رسمی ناسا:

[۱۰] *Molecular Cell Biology*/page

۲۴. Biomolecule, also called biological molecule, any of numerous substances that are produced by cells and living organisms. Biomolecules have a wide range of sizes and structures and perform a vast array of functions. The four major types of biomolecules are carbohydrates, lipids, nucleic acids, and proteins.

مولکول‌های زیستی که مولکول‌های بیولوژیکی هم نامیده می‌شوند، هر یک از مواد متعددی است که توسط سلول‌ها و موجودات زنده تولید می‌شود. مولکول‌های زیستی طیف وسیعی از اندازه‌ها و ساختارها را دارند و عملکرد وسیعی را انجام می‌دهند. چهار نوع اصلی مولکول‌های زیستی کربوهیدرات‌ها، لیپیدها، اسیدهای نوکلئیک و پروتئین‌ها هستند.

آدرس مطلب در دانشنامهٔ رسمی بریتانیکا: britannica.com/science/biomolecule

۲۵. متابولیسم: فرآیندهای شیمیایی که در تمام و یا بخشی از پیکرهٔ موجودات زنده روی می‌دهد. این فرآیند به دو دسته تقسیم می‌شود.

کتاب فرهنگ زیست‌شناسی، ص ۶۱۹

۲۶. آنابولیسم: مرحله‌ای از متابولیسم موجودات زنده که در طی آن، مولکول‌های پیچیده از مولکول‌های ساده‌تر ساخته می‌شوند.

فرهنگ زیست‌شناسی، ص ۴۷

آن‌ها در پاسخ به این سؤال که چه غذایی خوب است؟ می‌گویند غذاهایی که ویتامین دارد. الآن این تقریباً ادبیات رایج جهانی است. اینکه سلول ویتامین دارد، یعنی چه؟ یعنی حاوی ریز مغذی‌ها هستند. ریز مغذی چیست؟ ریز مغذی متابولیسم را تسریع می‌کند؛ یعنی اگر ویتامین‌ها نباشند، سوخت و ساز درون سلول با اختلال روبرو می‌شود؛ بنابراین در پاسخ به اینکه کدام غذا خوب است؟ می‌گویند باید به سراغ غذاهایی بروید که مولکول‌های زیستی آن بیش از سایر غذاها باشد؛ لذا یک طبقه بندی تغذیه هم شکل می‌گیرد. تمام این دوستانی که در صدا و سیما راجع به تغذیه صحبت می‌کنند برای نمونه می‌خواهند بگویند پوست شخصی را بهینه کنیم، به غذاهای حاوی ویتامین‌ها توصیه می‌کنند. چرا؟ چون مبنای آنها این است که پوست حاوی میلیاردها سلول است و آنها در فرآیند بهینه شدن، مثلاً فلان ریز مغذی‌شان کاهش پیدا کرده و پوست از شفافیت خارج شده و یا فلان آفت را پیدا کرده است. مبنای این طب جزء نگر این طور است. ما اینجا جمله‌ای معروف داریم و راجع به آن گفتیم: طب و سلامت را نمی‌توان به محوریت سلول تجزیه و تحلیل کرد بلکه باید بر اساس «مزج سلولی و غیر سلولی» تجزیه و ترکیب کرد؛ این یعنی چه؟ این بحث مزاج کاملاً پیچیده است. خیلی از دوستان طب اسلامی هم ملاً نیستند که این بحث را توضیح دهند می‌گوییم: شما ده‌ها میلیارد سلول دارید. آیا این ده‌ها میلیارد سلول با یکدیگر ارتباط دارند یا خیر؟ اگر گفتید آری، جای کلمه «ارتباط» را با «مزج» بگذارید که عربی است. من می‌خواهم آقایان بفهمند مزاج یعنی چه. طب اسلام می‌گوید باید نگاه مزجی یعنی نگاه ارتباطی بین سلول‌ها داشته باش. سؤال قابل طرح دیگر این است که آیا بدن تنها سلول است یا روح و اخلاقیات هم دارد؟ اگر گفتید دارد، می‌پرسیم ارتباط آن با این نظام سلولی چیست؟ آن ارتباطات را هم ببینید. وقتی کسی کلمه «مزاج» را می‌گوید، مرادش این است که می‌خواهد ارتباطات را بحث کند. می‌گوید اساساً نگاه جزء محور ارتباطات را نمی‌بیند در حالی که ارتباطات وجود دارند. مجموعه‌ای از ارتباطات بین نظام سلولی و نظام اعضا و میان اعضا و سلول‌ها و روح و روان اخلاقیات انسان‌ها وجود دارد. اگر کسی این ارتباطات را نبیند، حتی نمی‌توان به درستی سلول را تجزیه و تحلیل کند. یا شما باید بگویید اینکه انسان ده‌ها میلیارد سلول دارد، به طور بریده از هم هستند یا بگویید این سلول‌ها دارای پیوستگی و ارتباطات هستند و خود سلول هم با روح دارای ارتباطات است؛ بنابراین اگر ارتباطات وجود دارد، چرا در طب و پزشکی ارتباطات را ناقص می‌بینند؟ چرا وقتی ما می‌گوییم مزاج اصل در تحلیل است، برآشفته می‌شوند؟ مزاج همین است! اسلام معتقد است که باید مزج ترکیبی بدن را دید و بحث کرد. اگر تو به صورت سلولی و جزء محور و تجزیه محور بحث کردی، به طور دقیق نمی‌توانی تحلیل کنی، زیرا ارتباطات را ندیده‌ای!

من این را بعداً بیشتر تفصیل می‌دهم؛ بنابراین ما در تعریف معیار سلامت می‌گوییم باید «مزج‌محور» تحلیل کرد، یعنی بتوانی وحدت ترکیبی بدن را ببینی. بعداً بحثی تفصیلی مطرح می‌کنیم که وحدت ترکیبی بدن را چه طور می‌توان تحلیل کرد؟ ما که نمی‌توانیم چند میلیارد سلول را رصد کنیم و آنها را زیر میکروسکوپ ببریم و ارتباطات آنها را رؤیت کنیم، اینجاست که می‌گوییم باید تکیه بر اشرف و علم خطاناپذیر وحی کنیم و بحث دیگری شکل می‌گیرد. شما می‌گویید اخلاط اربعه وجود دارد. من تری و خشکی و سردی و گرمی دارم که با یکدیگر ترکیب هم می‌شوند.^{۲۷} همچنین می‌گویید نسبت تری با مزج ترکیبی بدن

۲۷. أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي طَاهِرٍ بْنِ حَمْرَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الطَّبَائِعُ أَرْبَعٌ فَمِنْهُنَّ الْبَلْغَمُ وَهُوَ حَاصِمٌ جَدِلٌ وَمِنْهُنَّ الدَّمُ وَهُوَ عَبْدٌ وَرُبَّمَا قَتَلَ الْعَبْدُ سَيِّدَهُ وَمِنْهُنَّ الرِّيحُ وَهِيَ مَلِكٌ يُدَارِي وَمِنْهُنَّ الْمَرْءُ وَهِيَ هَيَّاتٌ هَيَّاتٌ هِيَ الْأَرْضُ إِذَا ارْتَجَّتْ ارْتَجَّتْ مَا عَلَيْهَا.

حضرت رضا عليه السلام که میفرمود: طبیعتها (ی بشر) چهار است اول- بلغم؛ و آن بمنزله دشمن جنگ‌کننده است. دوم- خون؛ و آن بمنزله غلامست که گاه می‌شود غلامی مولای خود را میکشد (هم چنین بشر گاه مبتلا بفشار خون می‌شود و او را هلاک مینماید) سوم- باد؛ و آن بمنزله سلطانیست که

را برایم توضیح بده، ان شاء الله در دورهٔ «نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری» این را بحث می‌کنم که وقتی می‌گوییم مواظب‌تری بدنت باشد تا بلغمت افزایش پیدا نکند، این یعنی چه؟ مسئلهٔ تری یا غلبهٔ بلغم چه تأثیری بر روی مزج ترکیبی تمام بدن دارد؟ این‌ها را بعداً بحث می‌کنیم و مثلاً می‌گوییم گرمی یعنی چه؟ البته توضیحاتی است که «لم یطمئنن قبلهم انس و لا جان» چون بر مبنای درایه است؛ یعنی دقت‌هایی در روایات هست که دوستانی که کتاب‌های طبی می‌نویسند، معمولاً از آن عبور می‌کنند و بر روی این موارد دقت نمی‌کنند و کار جا نمی‌افتد. این دو تعریف است. ما می‌گوییم تحلیل سلامت بر مبنای مزج ترکیبی است. آقایان می‌گویند تحلیل سلامت بر مبنای عملکرد سلولی است. اینجا دو تعریف است که هر کدام اثری خاص دارد و دو نوع مدل سیاست‌گذاری و دو نوع مدل طبقه‌بندی غذا و ارزیابی غذا پیشنهاد می‌دهد.

اگر من آمدم در تعریف پایه، بدن را مزج محور تجزیه و تحلیل کردم، وقتی به مردم هم توصیهٔ غذا می‌کنم، مدل توصیهٔ غذایی هم فرق می‌کند و غذا را بر اساس تأثیر بر اخلاط اربعه بحث می‌کنم. سازمان غذا و دارو که بر مبنای کدکس‌های الیمنتاریوس^{۲۸} و تعریف سلولی بحث می‌کند، غذا را بر اساس تأثیر بر متابولیسم و آنابولیسم بحث می‌کند. این دو مدل بحثی است که دو روند را هم پیشنهاد می‌کند. می‌توان راجع به این موارد هم بحث و گفتگو کرد.

ای کاش شرح صدری وجود داشت و ما می‌توانستیم صد جلسه راجع به این نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری بحث کنیم تا بنده به صورت تفصیلی اثبات می‌کردم که چه مقدار زیادی مفاهیم غلط بر WHO^{۲۹} حاکم است؟ چه مقدار زیادی مفاهیم غلطی بر این بخش سوم توسعهٔ پایدار ۲۰۳۰ حاکم است؟ ما با مدل‌های موجود و دوستان دانشگاهی مقایسه می‌کردیم و کارآمدی‌های مدل مزج محور را نشان می‌دادیم. من تتمه‌ای در این بخش عرض کرده چرا که دلم نمی‌آید از این عبور کنم.

مزج ترکیبی بدن سه بخش دارد مزج سلول‌ها، مزج کل بدن با روح و ارتباط همهٔ اینها با رزق روزانه‌ای که توسط ملانکه بر همهٔ بشر نازل می‌شود. اگر کسی گفت سلامت را باید بر اساس مزج ترکیبی بدن تحلیل کرد، چه می‌شود؟ او وقتی وارد توصیهٔ غذا یا توصیهٔ سلامت می‌شود، می‌گوییم مهمترین عامل مؤثر بر مزج ترکیبی انسان‌ها، مفهوم قلب است. قلب بر وحدت این سه ترکیب تأثیر دارد؛ یعنی مثلاً اگر کسی قلبش به چالش کشیده شود، بر قوس صعود و نزول رزق تأثیر می‌گذارد و همچنین بر نظام سلولی - در صورتی که تعریف سلول را بپذیریم - نیز تأثیر مستقیم دارد. قلب این طور است.

این سه دسته تأثیر را بر قلب دارد. لذا شما توصیه‌های امام اروحنا له الفدا را ببینید! چقدر ایشان دقیق می‌فرمایند اگر کسی انار بخورد - در برخی از روایات مطلق انار را اشاره کرده است و پیدا است که مطلق انار این اثر را دارد و در برخی دیگر از

رعیت پرور باشد و با ایشان مدارا کند چهارم - مژه: و هیئات هیئات که چقدر دور است سلامتی انسان از آن، زیرا همانند زمین است که اگر بحرکت آید و بلرزد، هر چه روی آن باشد میلرزد (و در بسیاری از اوقات باعث خرابی عمارات می‌شود، و همچنین صفرای بدن که اگر بجنش آید انسان را بیمار و گاه هلاک می‌سازد). [ترجمهٔ مسترحمی با تصرف]

علل الشرائع ج ۱ ص ۱۰۶

۲۸. برای مشاهدهٔ توضیحاتی پیرامون کدکس‌های الیمنتاریوس ر.ک پیوست شماره ۲.

۲۹. سازمان جهانی بهداشت (WHO) یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد است که در سال ۱۹۴۸ با هدف نیل به بالاترین سطح سلامتی برای همهٔ مردم تأسیس شد. اساسنامهٔ آن در هفتم آوریل ۱۹۴۸ لازم‌الاجرا گردید که همهٔ ساله این روز به عنوان روز جهانی سلامت گرامی داشته می‌شود.

سایت رسمی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد تهران: yon.ir/j050D

البته بررسی عمیق عملکرد و اسناد و کتاب‌های منتشر شده از طرف سازمان بهداشت جهانی، تأثیرات جدی صهیونیسم جهانی بر آن‌ها را برای رساندن بشریت به سوی «بیماری‌های جسمی» و «فسادهای معنوی» نشان می‌دهد.

روایات انار شیرین را اشاره کرده است که پیدا است انار شیرین بیشتر در این مسئله تأثیر دارد - وسوسه قلبش کم می‌شود.^{۳۰} یعنی امام غذا را بر مبنای مزج ترکیبی بحث می‌کند و عامل اصلی مؤثر بر مزج ترکیبی که قلب است را پایه قرار داده و بحث می‌کند. می‌فرمایند که وسوسه قلبت را پایین بیاور! تمام فرآیندهای سلولی، روحی، رفتاری و رزقی شما تغییر پیدا می‌کند. چرا که وقتی انسان قلبان وسوسه پیدا می‌کند، تمام قوای خود را به کارگیری می‌کند تا آن وسوسه را محقق کند. حالا اگر کسی وسوسه را کنترل کند - که جای آن در قلب است - در واقع تمام بدن را تحت تأثیر گذاشته است، بنابراین طبقه بندی غذا بر مبنای قلب، پیچیده ترین طبقه بندی است که ما در فقه می‌فهمیم و از آن دفاع می‌کنیم که البته بعداً این‌ها را مبنا قرار می‌دهیم و بر اساس آن استاندارد غلط سیب سلامت^{۳۱} را بحث می‌کنیم. خب من از این بحث اول عبور کنم. البته من حوصله دارم و اگر شما هم حوصله داشتید، بنده هر هفته بنده سند توسعه پایدار را از حیث تناقض با آیات و روایات بحث می‌کردم. پس ادعای ما این است که حداقل در چهل حوزه، اسناد بین المللی تعریفی را مبنا قرار داده‌اند که آن تعاریف غیر از تعاریف موجود در روایات است و اگر این تعارض تعریف‌ها مهم نیست، پس ما می‌توانیم اجازه اجرای اسناد بین المللی را در کشور بدهیم و اگر هم گفتیم این تعارض تعریف‌ها منشاء تغییر نظم در زندگی می‌شود، اگر تعریف غلط شد، نظم غلطی حاکم می‌شود. مثل نظم غلط و ناکارآمد وزارت بهداشت در حوزه سلامت. مثل نظم غلط و ناکارآمد وزارت مسکن که بر حوزه مسکن

۳۰. مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِالزَّمَانِ الْخُلُوِّ فَكُلُوهُ فَإِنَّهُ لَيْسَتْ مِنْ حَبَّةٍ تَقَعُ فِي مَعْدَةِ مُؤْمِنٍ إِلَّا أَبَادَتْ دَاءً وَ أَطْفَأَتْ شَيْطَانَ الْوَسْوَسَةِ عَنْهُ
امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد انار شیرین. آن را بخورید؛ چرا که هیچ دانه‌ای از آن به معده مؤمنی در نمی‌آید، مگر اینکه بیماری‌ای را از وی ریشه‌کن کرده و شیطان وسوسه را از او دور می‌سازد.

کافی، ج ۶، ص ۳۵۴

۳۱. سازمان غذا و دارو به غیر از ضابطه‌هایی مبنی بر بررسی آلاینده‌ها در مواد غذایی و... دستور به زدن برجسیبی درباره حقائق تغذیه‌ای بر روی بسته‌های تغذیه‌ای کرده است. ضوابط و شرایط این برجسب که به سبب سلامت معروف است بر اساس «دستورالعمل اجرایی حداقل ضوابط برجسب‌گذاری فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی» (بازنگری چهارم: سال ۱۳۹۳) به طور خلاصه شامل موارد زیر می‌گردد:

۱. الزامات عمومی (نام و نام تجاری محصول؛ وزن فرآورده، شماره پروانه ساخت، تاریخ تولید و انقضای مصرف، مواد تشکیل دهنده، نام و نشانی تولیدکننده یا بسته‌بندی‌کننده، سری ساخت، شرایط نگهداری، دستورالعمل آماده‌سازی و مصرف و الزامات و توصیه‌های بهداشتی)

۲. اظهارات

۱/۲. توصیفی (تازه، منجمد شده، سریع منجمد شده، طبیعی، خشک شده، ارگانیک، گواهی شد، غنی شد، پرتودیده)

۲/۲. اختطاری (نوشابه‌های ورزشی و انرژی‌زا، شیرین‌کننده‌های مصنوعی، ژل رویال، غذاهای حساسیت‌زا، غلات حجیم شده، سوپ، فرآورده‌های عاری از گلوتن یا لاکتوز)

۳/۲. اظهارات برای غذاهای خاص (مواد غذایی تغییر ژنتیک یافته، فرآورده‌های پروبیوتیک)

۳. ضوابط مربوط به تصاویر و عبارات

۴. ادعاها

۱/۴. ادعاهای عمومی (گواهی سیستم‌های مدیریت ایمنی مواد غذایی، نشان ایمنی و سلامت، خالص، مخصوص صادرات، فرآورده‌های تحت لیسانس، بدون مواد نگهدارنده یا افزوده یا مونسدیم گلوتامات، حلال)

۲/۴. ادعاهای تغذیه‌ای (ادعاهای مربوط به کالری، قند، نمک، فیبر غذایی، چربی، کلسترول)

۳/۴. ادعاهای سلامتی‌بخش

۵. برجسب تغذیه‌ای (عنوان / عبارت «تعداد سهم در هر بسته» / عبارت «اندازه هر سهم از ماده غذایی» / انرژی / چربی کل / اسیدهای چرب اشباع / اسیدهای چرب ترانس / نمک سدیم / کربوهیدرات / پروتئین)

منبع اطلاعات:

دستورالعمل اجرایی حداقل ضوابط برجسب‌گذاری فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی / اداره کل نظارت و ارزیابی فرآورده‌های غذایی، آرایشی و بهداشتی از سازمان غذا و دارو

کشور دارد و کماکان در حال ساختن آپارتمان است. نظام‌سازی بر مبنای تعریف شکل می‌گیرد. چطور مهم نیست؟ لذا دوباره آن تاکید را می‌کنم، اگر کسی این تعاریف را ببیند، یقین می‌کند که به هویت شیعی هجومی به وجود آمده است. یکی از این تعاریف را خدمتتان بگویم که در سال‌های اخیر، هفتاد هزار میلیارد بودجه اجرائی داشته است فقط در یک سال آن هم در یک وزارتخانه؛^{۳۲} یعنی تعاریف‌ها اینگونه نیست که تشریفات و در گوشه کتابخانه باشد، بیت المال تخصیص به این تعریف پیدا می‌کند و باید فکری به حال این کرد.

۲. سؤال دوم: چرا الگوی فعلی نگهداری از نظام نمی‌تواند جلوی هجوم اسناد بین‌المللی را بگیرد؟

خب سؤال دوم این است که چرا الگوی جدید نگهداری از نظام نمی‌تواند جلوی هجوم اسناد بین‌المللی را بگیرد؟ نوع هجوم اسناد بین‌المللی نرم است. هجومی از پایگاه تغییر تعاریف است. تعاریف‌ها را در ذهن کارشناسان ما جابجا می‌کنند، نوع هجوم این گونه است. مثل هجوم مغول نیست. سازمان ملل نوع هجوم دیگری دارد. تعاریف غلط را در ذهن کارشناسان ما جا می‌اندازد. مسئولان سازمان برنامه و بودجه دوستان ما هستند و ما به ایمان فردی آن‌ها هیچ وقت تردید نکردم، منتها به آن‌ها گفته‌ام که ذهن شما مبتلا به تعاریف تنزل یافته شده است. بحث تعریف است که باید روی آن بحث کنیم. دیشب بود که آیت الله خامنه‌ای گفتند که ما نتوانستیم ساختار مدل بودجه ریزی را عوض کنیم. بعد خودشان فرمودند علت اصلی گره‌های علمی است که باز نشده است.^{۳۳} یعنی مسئلهٔ تعریف این است؛ یعنی ولی امر هم می‌خواهد تعاریف‌ها را تغییر بدهد و تا اینکه شما تعاریف را تغییر ندهید، این اشکال برطرف نمی‌شود.

۲/۱. بررسی صرفاً حقوقی و نپرداختن به بررسی تعاریف؛ علت ضعف الگوی نگهداری فعلی در مقابله با اسناد بین‌المللی

چرا شورای نگهبان نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؟ علت این است که مبنای نگهداری از نظام شورای نگهبان، حقوقی است.^{۳۴} مبنای تعریفی و مفهومی نیست. شورای محترم نگهبان می‌گوید که هر قانون و لایحه‌ای برای ما بیاید، اگر این لایحه و قانون در چارچوب اصول فقهی ما نباشد - که اصول فقهی ما اصول حقوقی هستند - من این را به عنوان مخالفت قطیه با شرع امضا می‌کنم. در حالی که بحث ما این است که اولاً و بالذات اسناد بین‌المللی مبتنی بر یک تعریف شکل گرفته است. اصلاً شورای نگهبان خود را موظف نمی‌داند که تعاریف حاکم بر اسناد بین‌المللی را بررسی کند. در قوانین داخلی هم به همین

۳۲. دکتر علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت دکتر حسن روحانی در برنامهٔ گفتگوی ویژه خبری که در تاریخ ۱۳۹۶/۵/۲ پخش شد، گفتند: «روز اولی که من به وزارتخانه آمدم هیچ نظریه‌ای برای رفاه نداشتیم؛ من ارزش نظریه را خیلی بالا می‌دانم! و متأسفم که در برخی از موارد ما به نظریه کمتر اهمیت می‌دهیم. ... مثلاً ما در بخش رفاه، نظریهٔ توانمندسازی را دنبال کردیم. من این را در مقابل نظریهٔ سیاست رفاهی «جبرانی-صدقه‌ای» - یا به هر اسم دیگری که بگویم - گذاشتم.»

همچنین وزارتخانه بودجه اختصاص یافته برای بخش رفاه را چنین منتشر کرده است: «دولت در لایحهٔ بودجهٔ سال ۱۳۹۷، مبلغ ۸۷ هزار میلیارد و ۸۲۲ میلیارد تومان به فصل «رفاه اجتماعی» اختصاص داده است. بودجه در نظر گرفته شده برای این فصل، نسبت به سال جاری ۲۸ درصد رشد کرده که صرف بخش‌های «امداد و نجات»، «بیمه»، «حمایتی»، «توانبخشی» و «تحقیق و توسعه در امور رفاه» می‌شود. از نکات قابل توجه بودجهٔ فصل «رفاه اجتماعی»، افزایش قابل توجه و حدود ۱۳ برابری فصل امداد و نجات است.»

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی yon.ir/KeofG

۳۳. کار علمی در مورد همین نظام بانکی و مسئله بودجه‌ریزی؛ این‌ها مشکلات ما است. ما الان در زمینه بودجه‌ریزی واقعاً مشکل داریم. بنده هم، سفارش کرده‌ام، تأکید هم کرده‌ام، چهار ماه هم از اول سال فرصت دادیم که در این چهار ماه، نظام بودجه را اصلاح کنید؛ خب نشده دیگر. گره علمی وجود دارد؛ این را باید دانشگاه‌ها حل کنند؛ در نظام بانکی ما هم همین جور است.

بیانات معظم له در دیدار جمعی از تولیدکنندگان و کارآفرینان در تاریخ ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۹۸

۳۴. اصل ۹۶ قانون اساسی: تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان است.

شکل است. تعاریف حاکم بر قوانین داخلی را بررسی نمی‌کند. در قوانین داخلی هم به همین شکل است. تعاریف حاکم بر قوانین را بررسی نمی‌کند. خود آن طرح‌ها و لوایحی که آمده است، آن‌ها را از حیث تطابق یا عدم تطابق یا تعارض و عدم تعارض بحث می‌کند. این مبنای شورای نگهبان است؛ بنابراین اصلاً تعاریف حاکم بر یک قانون بحث نمی‌شود. لذا شما ببینید، یکی از این سیاست‌هایی که در حوزه قانون‌گذاری ابلاغ شد، آیت الله خامنه به مجلس و سایر دستگاه‌های نظام این طور ابلاغ کردند که از این به بعد قوانین باید در جمهوری اسلامی شناسه تخصصی داشته باشند.^{۳۵} یعنی معلوم باشد که بر مبنای کدام نظریه و تحلیل این قانون پیشنهاد شده است. اگر این کار جلو برود، شما می‌توانید این بخش را بررسی کنید و در بخش تخصصی تعارض یا عدم تعارض تعاریف را بررسی شود. پس شورای نگهبان به علت اینکه مبنایش حقوقی است، بر اساس این مبنای حقوقی نگرهبانی می‌کند و اساساً وارد این تعاریف نمی‌شود و تعاریف حاکم بر این قوانین را اصلاً بررسی نمی‌کند، اگر نه تعارض همه این‌ها برای فقها لازم است. چون اصل بر این نیست، سازمان ملل این تعاریف را به پذیرش داخل کشور می‌رسانند. خوب البته در این بخش از سؤال دوم، یک مجموعه بحثی داریم که بسیار مهم است و من آن را باز نمی‌کنم و فقط به آن اشاره می‌کنم که باز این از زیرکی جریان‌های غرب‌گرا در کشور این است که - به علت اینکه شورای نگهبانی تعاریف حاکم را بررسی نمی‌کند - در موقع لایحه نویسی و طرح نویسی، عبارات قوانین و لوایح را به گونه‌ای می‌نویسد که آن‌ها تعارض به حساب نیاید و حتی تعارض اولیه هم پیدا نکند.

۲/۱/۱. دستیابی به تساوی جنسیتی ذیل بخش پنجم سند توسعه پایدار؛ نمونه‌ای از هجوم فرم اسناد بین المللی

مثلاً در بخش پنجم سند توسعه پایدار عبارت این است که: «دست یابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران». ^{۳۶} عین عبارت سازمان ملل است. عبارت، عبارت تساوی جنسیتی است اگر کسی کتاب‌های پشتیبان این‌ها را بخواند، می‌بیند که دیدگاه فمینیستی ^{۳۷} پشت این قضیه است. دیدگاه‌های فمینیستی از لحاظ تعارض با شریعت واضح‌التعارض

۳۵. بند ۹ از «سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری» ابلاغ‌شده توسط مقام معظم رهبری: «رعایت اصول قانون‌گذاری و قانون‌نویسی و تعیین سازوکار برای انطباق لوایح و طرح‌های قانونی با تأکید بر: ... - بیان شناسه تخصصی هر یک از لوایح و طرح‌های قانونی و علت پیشنهاد آن. ۳۶. در خود متن سند توسعه پایدار، به کرات سخن از «تساوی جنسیتی» به میان آمده ولی در دستور العمل‌های منتشر شده توسط مراکز فعال سازمان ملل در ایران، این لفظ به دلیل بار منفی موجود آن و تقابل آشکار آن با تفکرات اسلامی در موارد متعدد به «عدالت جنسیتی» تلطیف شده است. برای نمونه به هدف اصلی پنجم توسعه پایدار و بعضی از اهداف فرعی آن اشاره و ترجمه صحیح آن‌ها ارائه می‌گردد و در نهایت به بخشی از سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی که توسط نهادی مرتبط با سازمان ملل متحد در ایران منتشر شده اشاره می‌گردد:

برای نمونه به گزاره‌هایی از سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ اشاره می‌شود:

Goal 5. Achieve gender equality and empower all women and girls 5.1 End all forms of discrimination against all women and girls everywhere ...

۱. هدف اصلی ۵: دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران / ۵-۱. پایان دادن به همه اشکال تبعیض علیه زنان و دختران در همه جا / ۵-۲. ریشه‌کنی همه انواع خشونت علیه زنان و دختران در حوزه‌های عمومی و خصوصی، از جمله: در زمینه قاچاق انسان و سوء استفاده‌های جنسی و غیره / ۵-۳. ریشه‌کنی همه اقدامات زیانبار مانند ازدواج کودکان، ازدواج در سنین بسیار پایین و ...

آدرس مطلب در سایت رسمی سازمان ملل متحد [yon.ir/1MkRO](http://www.yon.ir/1MkRO)

یکی از موارد دستیابی به عدالت آموزشی توجه به عدالت جنسیتی در حوزه آموزش است که موجب ارتقای اشکال مختلف سرمایه در صورت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن می‌شود. وجود ناعدالتی‌های جنسیتی در عرصه‌های مختلف از جمله آموزش از مهم‌ترین چالش‌های پیشرو در کشورهای در حال توسعه است. ناعدالتی‌های جنسیتی دارای اثر منفی بر توسعه انسانی و ارتقای کیفیت نیروی انسانی است. تجربه‌های دهه‌های اخیر کشورهای در حال توسعه مبین آن است که افزایش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی به‌ویژه آموزش زنان، زمینه لازم را برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر و رفاه اجتماعی بیشتر مهیا می‌سازد.

سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران، ویرایش اول، ص: ۱۶۱

۳۷. پورتر: «من تعریفی کلی از فمینیسم را اختیار می‌کنم، مبنی بر این که فمینیسم چشم‌اندازی است که در پی رفع کردن فردستی، ستم، نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌هایی است که زنان از آن رنج می‌برند، آن‌هم به‌خاطر جنسشان.»

اند ولی این را کسی بررسی نمی‌کند و همین را به عدالت جنسیتی تبدیل می‌کنند. خب عدالت که چیز بدی نیست! لذا وقتی از عضوهای محترم شورای نگهبان این قانون را می‌بیند، می‌گویند که اینجا نوشته است که ما باید به عدالت جنسیتی دست پیدا کنیم، خب اینکه تعارض ندارد پس تصویب است. از تکنیک تغییر الفاظ استفاده می‌کنند تا از سد سدید شورای نگهبان عبور کنند. این مسئله اصلی است که با شورای نگهبان داریم و نمی‌توان از آن چشم پوشید. می‌فرماید که النصیحه لائمه المسلمین.^{۳۸} خیلی خیر خواهی جدی‌ای برای شورای نگهبان است که از شورای نگهبان دائماً این سؤال پرسیده می‌شود که تعاریف حاکم بر تعاریف برده از قوانین اند یا نه؟ قوانین میوه و راه باز کن برای آن تعاریف‌اند؟ در واقع جاده برای اجرای آن تعاریف باز می‌کنند. اگر این فرض را گفتیم، حتماً شورای نگهبان باید وارد تعارض تعاریف هم بشود. خلاصه حرف ما این است.

اگر این فرض را پذیرفتیم، خب پس شورای نگهبان حتماً باید وارد بررسی تعاریف هم بشود؛ این خلاصه بحث ماست. البته الان دیگر این حرف، تقریباً حکم قانونی دارد و توسط رهبر انقلاب ابلاغیه دارد؛ شناسه تخصصی قوانین باید معلوم باشد تا بتوانیم بعداً راجع به آن قضاوت کنیم. خیلی خوب پس این هم سؤال دوم بود. چرا شورای محترم نگهبان نمی‌تواند جلوی هجوم اسناد بین‌المللی را بگیرد؟ چون مبنای شورای محترم نگهبان برای نگهبانی از نظام، یک مبنای حقوقی است و نوع هجوم اسناد بین‌المللی، یک نوع هجوم نرم بر مبنای تغییر مفاهیم و تعاریف در اذهان است. این مسئله بسیار مهمی است.

خواهش می‌کنم امشب مادهٔ هفده بیانیهٔ اینچئون^{۳۹} را مطالعه کنید. این ماده می‌گوید برای اجرای اسناد بین‌المللی باید شش کار انجام شود^{۴۰}. وقتی به هر شش کار توجه می‌کنید، می‌بینید زمینه سازی برای تغییر ذهنیت مسئولین است؛ یعنی آن رویکرد

زنان و هویت اخلاقی به نقل از کتاب «چیستی فمینیسم» کریس بیسلی، ص ۱۵-۱۶

۳۸. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ص حَطَبَ النَّاسِ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ فَقَالَ...
ثَلَاثٌ لَا يُغْلَى عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ الزُّرْمُ لِجَمَاعَتِهِمْ فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ مُحِيطَةٌ مِنْ وَرَائِهِمُ الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ وَ يَسْعَى بِدِمَتِهِمْ أَدْنَاهُمْ.

امام صادق علیه السلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله در مسجد خیف برای مردم سخنرانی کرد و فرمود:

سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت [کینه‌توزی، بدخواهی] نکند: ۱- خالص نمودن عمل برای خدا (عبادت کردن بدون ریا و غرض دنیوی). ۲- خیرخواهی پیشوایان مسلمین. ۳- همراه بودن با جماعت مسلمین (و جدا نشدن و اختلاف و پراکندگی ایجاد نکردن) زیرا دعوت مسلمین افراد پشت سرشان را هم شامل می‌شود (پس هر که همراه جماعت باشد در سود آنها شریکست) مسلمین همه برادرند، خوششان برابرست (پس اگر شخص اول آن‌ها کوچک‌ترینشان را به ناحق بکشد باید کشته شود) و پست‌ترین فردشان در برقراری پیمانشان کوشش می‌کند (یعنی پست‌ترین فرد مسلمان می‌تواند در مواد امان‌نامه هر قرار دادی با کفار، شرکت و دخالت کند و در وفای آن کوشا باشد). [ترجمه مصطفوی با تصرف]

الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳

۳۹. بیانیه اینچئون در مجمع جهانی آموزش (۲۲-۱۹ می ۲۰۱۵ / ۲۹ اردیبهشت تا ۱ خرداد ۹۴) به تصویب رسید. این بیانیه در تاریخ ۲۱ می ۲۰۱۵ (۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴) در کره جنوبی و با توافق جامعه جهانی ذی‌ربط در بحث آموزش، شامل وزرای بیش از ۱۰۰ کشور عضو یونسکو، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مرتبط با جوانان و نهادهای تخصصی ملل متحد تصویب شد. این بیانیه، چشم‌انداز آموزش در پانزده سال آینده را به تصویر می‌کشد و کشورها را تشویق می‌کند تا فرصت‌های آموزشی فراگیر و برابر و آموزش باکیفیت و یادگیری مادام‌العمر را برای همه فراهم کنند. این بیانیه، اهداف آموزشی مرتبط با هدف‌های کلی توسعه پایدار را که در سپتامبر امسال در سازمان ملل متحد به امضا می‌رسد، مشخص خواهد کرد.

سایت کمیسیون ملی یونسکو - ایران / تاریخ خبر: ۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ Sng1395/yon.ir

نفوذ سیاسی و فرهنگی از بارزترین اثرات اجرای این سند در کشورهاست

۴۰. ماده ۱۷: ما همچین یونسکو را به عنوان آژانس تخصصی سازمان ملل متحد در حوزهٔ آموزش، به ادامهٔ مسئولیتی که به موجب رسالت خود بر عهده دارد، به راهبری و انجام هماهنگی‌های لازم برای اجرای دستورکار آموزش ۲۰۳۰ موظف می‌کنیم. در این راستا، باید اقدامات مشروحهٔ زیر توسط یونسکو انجام شود: [۱] حمایت از کشورها برای تداوم تعهد سیاسی؛ [۲] تسهیل گفت و گو برای سیاست‌گذاری، [۳] به اشتراک گذاشتن دانش و تدوین استانداردها؛ [۴] پایش

نرمی که ادعا می‌کنیم در اسناد بین‌المللی وجود دارد، در مادهٔ هفده بیانیهٔ اینچئون توضیح داده شده است.^{۴۱} مثلاً در آنجا گفته شده است که سازمان ملل برای هر هفده بخش، هفده کتاب مرجع معرفی می‌کند که این هفده کتاب مرجع باید در اختیار کارشناسان قرار گیرد، به اصطلاح باید کتاب درسی وزارتخانه‌ها می‌شود. کتاب را که برای قانون و مقررات نمی‌نویسند، موضوع کتاب تغییر تعاریف است.

پس کتاب مرجع هدف اول، کتاب مرجع هدف دوم و ... [به غرض تغییر تعاریف منتشر می‌شود] در خود ایران هم یا وزیر و یا معاون وزیر بر کتاب پیشگفتار مینویسد و به تمام دستگاه‌ها ابلاغ می‌کند؛ بنابراین اگر شورای نگرهبان یک سند بین‌المللی را تأیید کند - ولو با این تکنیک تغییر الفاظ که جریان غربگرا در ایران دارد - زمینهٔ مطالعهٔ هفده کتاب تخصصی در بین کارشناسان ما آماده می‌شود و این هفده کتاب تخصصی آخرین تعاریف جهانی پوزیتیویستی است که بر علم حاکم است و به نظر ما با تعاریف فقهی در تعارض است.

پس مبنا این است که شورای نگرهبان نگاه حقوقی دارد، اما آنها نگاه نرم و تغییر تعاریف دارند که اینها با هم سنخیت ندارد، لذا به راحتی از سد شورای نگرهبان عبور می‌کنند. لطفاً به این بخش دقت کنید؛ اگر کسی پرسد «چرا چهل سال در جمهوری اسلامی تقریباً در تمام دولت‌هایی که سر کار می‌آیند یا در سطح وزارتخانه - که بسیار عیان‌تر است - ذهنیت این مسئولین تقریباً در تعارض با ذهنیت‌های تعریف شدهٔ انقلاب است؟ چرا در حوزهٔ سیاست خارجه، حوزهٔ غذا و بقیه حوزه‌ها اینگونه است که دو رویکرد [انقلابی و غربی] وجود دارد؟» علت آن این است که به وسیلهٔ همین اسناد بین‌المللی تصمیم‌سازی دائمی در کشور رخ می‌دهد و رفت و آمد دائمی کارشناسان بین‌المللی وجود دارد که محوریت تمام آنها هم تغییر تعاریف و با شکل دلسوزی است^{۴۲}؛ اما در این طرف شاید در سال، پنجاه طلبه هم در وزارتخانه‌های ما نروند که تعاریف اسلامی را آنجا بحث

پیشرفت در جهت دستیابی به اهداف ویژهٔ آموزشی؛ [۵] برقراری پیوند میان ذی‌نفعان ملی، منطقه‌ای و جهانی برای راهبری اجرای دستورکار ۲۰۳۰ برای آموزش؛ و [۶] اقدام به عنوان رابط ملی آموزش، در چارچوب کلی همکاری‌ها برای تحقق اهداف توسعهٔ پایدار. بیانیهٔ اینچئون و چارچوب عمل برای اجرای هدف چهارم توسعهٔ پایدار (تضمین آموزش فراگیر و با کیفیت و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه) [مترجم: مهرناز پیروز نیک؛ ناظر علمی: دکتر محدثه محب‌حسینی]

آدرس دالود سند: yon.ir/Incheon

۴۱. همان

۴۲. تحرکات سازمان‌های بین‌المللی برای اجرایی‌سازی و محقق کردن مفادی که در بیانیهٔ اینچئون ذکر شد، شواهد فراوانی دارد؛ در این پیوست به ارائهٔ دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

۱- «سی و پنجمین کنفرانس جهانی پارک‌های علم و فناوری و مناطق نوآوری (WIASP ۲۰۱۸) از سوی شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان و با همکاری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ استانداری و شهرداری اصفهان از ۱۱ تا ۱۴ شهریورماه ۹۷ با حضور مسوولان کشوری و حداقل ۵۰۰ شرکت‌کننده از ۵۰ کشور جهان در مهمانسرای عباسی اصفهان برگزار شد.»

«این کنفرانس که یکی از مهم‌ترین رویدادهای بین‌المللی در حوزه اقتصاد و شرکت‌های دانش‌بنیان محسوب می‌شود، پس از ۳۴ دوره، برای نخستین بار به میزبانی جمهوری اسلامی ایران و در شهر تاریخی اصفهان برگزار شد.»

«موضوع این کنفرانس حرکت به سوی شهرها و جوامع پایدار، پرورش و ترویج اکوسیستم‌های نوآوری است. در این رویداد چگونگی بهره‌مندی از ظرفیت نهادهای توسعه فناوری به‌ویژه پارک‌های علم و فناوری برای رفع مشکلات شهرها و رسیدن به توسعه پایدار بررسی خواهد شد.»

تحلیل: موضوع کنفرانس همانطور که اشاره شد «حرکت به سوی شهرها و جوامع پایدار» است که این موضوع یکی از اهداف فرعی ذیل هدف ۱۱ سند ۲۰۳۰ توسعهٔ پایدار است که این نشست‌ها در راستای تسهیل گفتگو اجرایی شدن سند ۲۰۳۰ است؛

متن سند ۲۰۳۰ توسعهٔ پایدار در ذیل هدف یازدهم: «۳-۱۱- افزایش شهرسازی پایدار و همه‌شمول و ظرفیت‌سازی برای طراحی و مدیریت سکونت‌گاه‌های شهری مشارکتی، جامع و پایدار در همهٔ کشورها تا سال ۲۰۳۰.»

دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعهٔ پایدار، ص ۴۴

کنند؛ لذا در آنجا «حصن»ی وجود ندارد. فقها در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های کارشناسی حصن نیستند؛ یعنی تعریف را نقد نمی‌کنند. خب طبیعی است که آن کارشناسان هم بگویند که همین تعریف عقلایی را بپذیریم و بحث را جلو ببریم.

۳. سؤال سوم: مبنای الگوی جدید نگهبانی از نظام چیست؟

از اینجا بحث جلسه وارد سؤال سوم می‌شود: «چگونه از نظام نگهبانی کنیم تا جلوی اسناد بین المللی گرفته شود؟ بر اساس چه مفهومی نگهبانی کنیم؟»

۳/۱. نظام مقایسه؛ مبنای الگوی جدید نگهبانی از نظام بر اساس استظهارات فقهی از آیات و روایات

ما در مباحثاتمان گفته‌ایم که فقها باید به تکلیف نظام مقایسه عمل کنند تا بتوانند مقابل هجوم اسناد بین المللی نگهبانی کنند. اولاً بنده بگویم که این اصطلاح نظام مقایسه از کجا آمده است. مجموعه روایاتی هست که به مقایسه میان کلمه حق و کلمه باطل دعوت می‌کند؛ مانند چه؟

۳/۱/۱. آیه ۲۵۶ سوره بقره و روایت إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ؛ نمونه‌ای از استظهارات اصل فقهی نظام مقایسه

مانند «قَدْ تَبَيَّنَ الْكُفْرُ مِنَ الْغَيِّ»^{۴۳} تبیین رشد از غی باید رخ دهد. غی و رشد واضح است؛ یعنی اینگونه نیست که بیان کتاب خدا و روایات ما فقط طرف رشد را بحث کرده باشد. یا مثلاً در روایات هست که پیامبر فرمودند: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ»^{۴۴} می‌فرماید اگر بدعتی ظاهر شود، یعنی بدعت اجتماعی شود -مانند بدعت سند توسعه پایدار- [باید اظهار علم شود]. بدعت هم در روایات گفته شده است: «کل ما خالف کتاب و سنه»^{۴۵} بدعت است. پس حالا اگر بدعتی

پایگاه رسمی این کنفرانس: iasp2018isfahan.com

گزارش روابط عمومی وزارت علوم در مورد این کنفرانس: yon.ir/xLeKm

گزارش روابط عمومی معاونت علمی رئیس جمهور در مورد این کنفرانس: yon.ir/HuGVA

تصاویر سخنرانی آقایان ستاری (معاون علمی رئیس جمهور وقت) و غلامی (وزیر علوم وقت) در این کنفرانس.

منبع: پایگاه رسمی معاونت علمی رئیس جمهور yon.ir/ewVcJ

۴۳. لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الْكُفْرُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ / بقره، ۲۵۶
در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه با به کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق، دین را بپذیرد]. مسلماً راه هدایت از گمراهی [به وسیله قرآن، پیامبر و امامان معصوم] روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت [که شیطان، بت و هر طغیان گری است] کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی تردید به محکم‌ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است؛ و خدا شنوا و داناست. [ترجمه انصاریان]

۴۴. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورِ الْعَمِّيِّ يَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.

رسول خدا (ص) فرمود: زمانی که در امتم بدعتها هویدا گشت بر عالم است که علم خویش را آشکار کند، هر که نکند لعنت خدا بر او باد. [ترجمه مصطفوی] الکافی، ج ۱، ص ۵۴

۴۵. وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ السُّنَّةِ وَ الْبِدْعَةِ وَ الْفُرْقَةِ وَ الْجَمَاعَةِ فَقَالَ ﷺ أَمَا السُّنَّةُ فَسُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَمَا الْبِدْعَةُ فَمَا خَالَفَهَا وَ أَمَا الْفُرْقَةُ فَأَهْلُ الْبَاطِلِ وَ إِنَّ كَثُرُوا وَ أَمَا الْجَمَاعَةُ فَأَهْلُ الْحَقِّ وَ إِنَّ قَلُّوا وَ قَالَ ﷺ لَا يَرْجُو الْعَبْدُ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَخَافُ إِلَّا ذَنْبَهُ وَ لَا يَسْتَحْيِي الْعَالِمَ إِذَا سئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ اللَّهُ أَعْلَمُ وَ الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ.

مردی از امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالب در باره سنت، بدعت، فرقت و جماعت پرسید. حضرت در پاسخ فرمود: اما سنت، همان روش رسول خدا ﷺ است؛ و اما بدعت، هر چیزی است که بر خلاف آن [روش پیامبر] باشد؛ و اما فرقت، اهل باطلاند گرچه بسیار باشند؛ و اما جماعت، اهل حقاند گرچه اندک باشند؛ و فرمود: [در متن چنین است]: بنده فقط به پروردگارش امید می‌بندد و فقط از گناه خود ترسان می‌شود و هر گاه از دانشمندی سؤال کنند و او پاسخ آن را نداند شرمش نمی‌آید که بگوید: «خدا داناترست». جایگاه شکیبایی نسبت به ایمان، چون جایگاه سر نسبت به پیکر است. [ترجمه حسن‌زاده]

تحف العقول، ص ۲۱۱

ظاهر شد، باید چه کرد؟ فرمود «فلیظهر العالم علمه» عالم باید در مقابل ظهور بدعت، ظهور علم بدهد. پس تکلیف در مقابل ظهور بدعت، ظهور علم است. باید مردم را در مقایسه میان این دو قرار داد؛ که این یک تعریف غلط است و این هم یک تعریف درست است. حالا آنها هم یا «اما شاکرا» می‌شوند یا «اما کفورا»^{۴۶}.

۳/۱/۲. روایت لَنْ تَعْرِفُوا الرَّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ؛ نمونه‌ای دیگر از استظهارات اصل فقهی نظام مقایسه

روایت دیگری هم از مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام هست که خیلی روایت دقیق است و ظهور آن از روایات دیگر ادل است؛ می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرَّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ»^{۴۷} با ادات «لَنْ» گفته است که محال است شما «رشد» را

وَ قَالَ عليه السلام طَوْبِي لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ وَ طَابَ كَسْبُهُ وَ صَلَحَتْ سِرِيرَتُهُ وَ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ وَ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ لِسَانِهِ وَ عَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ وَ وَسِعَتْهُ السُّنَّةُ وَ لَمْ يُنْسَبْ إِلَى الْبِدْعَةِ

و آن حضرت فرمود: خوشا به حال کسی که نزد خود خوار و کسبش پاک و باطنش شایسته و اخلاقیش نیکوست، اضافه مالش را انفاق می‌کند و زبان را از پرگویی حفظ می‌نماید و شرش را از مردم دور می‌دارد و اجرای سنت پیامبر بر او سخت نیاید و به بدعت گرای متهم نشده است. [ترجمه انصاریان]

نهج البلاغه، ص ۴۹۰، حکمت ۱۲۳

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ رَفَعَهُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ السُّنَّةِ وَ الْبِدْعَةِ وَ عَنِ الْجَمَاعَةِ وَ عَنِ الْفِرْقَةِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ الْبِدْعَةُ مَا أُخْدِتْ مِنْ بَعْدِهِ وَ الْجَمَاعَةُ أَهْلُ الْحَقِّ وَ إِنْ كَانُوا قَلِيلًا وَ الْفِرْقَةُ أَهْلُ الْبَاطِلِ وَ إِنْ كَانُوا كَثِيرًا.

عاصم بن حمید مرفوعاً روایت کرده که: شخصی خدمت امیر المؤمنین عليه السلام رسید و عرض کرد معنی این کلمات چیست: سنت، بدعت، جماعت و فرقه؟ امیر المؤمنین فرمود: «سنت» راه و روشی است که پیامبر صلى الله عليه وآله مقرر فرموده و «بدعت» روشی است که بعد از آن حضرت پیدا شده و «جماعت» آنانند که به حق معتقدند، اگر چه اندک باشند و «فرقه» پیروان باطلند اگر چه بسیار باشند. [ترجمه محمدی]

معانی الأخبار، ص ۱۵۴

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ: خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثَمَى عَلَيْهِ ثُمَّ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ قَالَ... وَ إِنَّمَا بَدَأَ وَ فُوعَ الْفِتْنِ مِنْ أَهْوَاءِ شُبُعٍ وَ أَحْكَامٍ تَبْتَدِعُ يُخَالَفُ فِيهَا حُكْمَ اللَّهِ يَتَوَلَّى فِيهَا رِجَالٌ رِجَالًا...

امام علی علیه السلام: جز این نیست که آغاز پیدایش فتنه‌ها، پیروی از هواهای نفس و احکامی است که بدعت نهاده می‌شوند و مخالف حکم خدا هستند و گروهی در این هوس‌ها و بدعت‌ها، از گروهی دیگر پیروی می‌کنند. [ترجمه ری‌شهری]

الکافی، ج ۸، ص ۵۸

۴۶. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا / انسان، ۳

ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس.

۴۷. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ الْمُنْذِرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام [وَ زَوَّاهَا غَيْرُهُ بِغَيْرِ هَذَا الْإِسْنَادِ وَ ذَكَرَ أَنَّهُ خَطَبَ بِذِي قَارٍ] حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثَمَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ... وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرَّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ وَ لَمْ تَأْخُذُوا بِمِيقَاتِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ وَ لَنْ تَمْسُكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي بَدَّهَ وَ لَنْ تَتَلَّوْا الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي حَرَّفَهُ وَ لَنْ تَعْرِفُوا الصَّلَاةَ حَتَّى تَعْرِفُوا الْهَدْيَ وَ لَنْ تَعْرِفُوا التَّقْوَى حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَعَدَّى فَإِذَا عَرَفْتُمْ ذَلِكَ عَرَفْتُمْ الْبِدْعَ وَ التَّكْلِيفَ وَ رَأَيْتُمْ الْفِرْيَةَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ وَ التَّخْرِيفَ لِكِتَابِهِ وَ رَأَيْتُمْ كَيْفَ هَدَى اللَّهُ مَنْ هَدَى فَلَا يُجْهَلِكُمْ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنْ عِلِمَ الْقُرْآنَ لَيْسَ يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا مَنْ ذَاقَ طَعْمَهُ فَعَلِمَ بِالْعِلْمِ جَهْلَهُ وَ بَصَّرَ بِهِ عَمَاهُ وَ سَمِعَ بِهِ صَمَمَهُ وَ أَدْرَكَ بِهِ عِلْمَ مَا فَاتَ وَ حَبِي بِهِ بَعْدَ إِذْ مَاتَ...

از محمد بن حسین از پدرش از جدش از پدرش که امیر المؤمنین سخنرانی کرد و جز او هم بسند دیگر آن را روایت کرده است و یادآور شده که این سخنرانی را در ذی قار کرده است. خدا را سپاسگزارد و ستایشکرد سپس فرمود: ... و بدانید که شما رشد و صواب را نتوانید شناخت تا بشناسید کسی که تارک و مخالف آن است و نتوانید بعهد و میثاق قرآن بجسید تا آن کسانی که آن را نقض کرده و شکسته‌اند بشناسید و بدان تمسک ندارید تا آن کسیرا بشناسید که آن را پشت سر انداخته است و هرگز قرآن را چنانچه شاید و باید نخوانید تا آن کسی که آن را سوزانیده بشناسید. شما ضلالت را نفهمید تا هدایت را بدانید و هرگز تقوی و پرهیزکاری را تشخیص ندهید تا کسی که از حق تجاوز کرده بشناسید و چون این مطالب را فهمیدید بدعتها و زورسازها را می‌توانید بفهمید و می‌توانید بدانید که بخدا و رسولش افتراها بسته‌اند و قرآن را تحریف کرده و از مجرای خود به در برده‌اند و می‌دانید که چگونه خداوند هدایت کرده است آن‌ها را که هدایت یافته‌اند. مبدا کسانی که حقیقت را نمی‌دانند شماها را بنادانی برانند، علم و حقیقت قرآن را کس نداند که چیست و مقصود حقیقی کدامست جز کسی که طعم آن را

بفهمید مگر اینکه وضعیت کسی را که ترک رشد کرده باشد بررسی کرده باشید. پس عرفان نسبت به ترک رشد، زمینه عرفان نسبت به رشد است. البته روایات و آیات در این موضوع زیاد است؛ ما در باب چهارم فقه البیان که بیان مبتنی بر نظام مقایسه است این مجموعه آیات و روایات را بررسی کرده‌ایم. اساساً راهی به جز نظام مقایسه وجود ندارد. اگر کسی می‌خواهد جلوی تعاریف غلط را بگیرد باید بر روی تعاریف درست حالت مقایسه ایجاد کند. البته یک سری هم در این اصطلاح کلمه نظام هست که ما به مقایسه اضافه کرده‌ایم و آن این است که منظور مقایسه موردی نیست؛ یعنی اگر کفار از مبانی نظری تا کاربردها حرف زده‌اند، شما هم باید از مبانی نظری تا کاربردها حرف جایگزین بزنید، باید نظامی از مباحثات را مقابل نظامی از مباحثات آنها قرار دهید.

اگر این اتفاق افتاد - یعنی فقها نظام مقایسه میان مباحثات خود را ارتقا دادند - دیگر به این راحتی‌ها تعریف غلط در جامعه جریان پیدا نمی‌کند و جهاد کبیر اتفاق می‌افتد؛ مثلاً آنها در حوزه سیاست خارجه حرفی می‌زنند، شما باید حرف جایگزین آنها را بزنید؛

۳/۲. مقایسه هزینه‌های بین سازش و مقاومت در مسئله سیاست خارجه و مقایسه بین تعریف آبار تمان و تعریف دار واسعه در مسئله مسکن؛ نمونه‌هایی از نظام مقایسه با تعاریف غلط

مثلاً می‌گوید مقاومت هزینه دارد و شروع می‌کند هزینه‌های مقاومت را به عدد و آمار به دلار برای تو توضیح دادن که مثلاً «انقدر در سوریه و لبنان خرج می‌کنی، انقدر داری به سپاه و ارتش می‌دهی، آخر کجای دنیا دو تا نیروی نظامی وجود دارد؟!» همین‌گونه شروع می‌کند هزینه‌های مقاومت را بحث کردن، خب راه آن این است که شما در این طرف بیایید بگویید که هزینه‌های سازش بیشتر است: «چند سانتی‌فیوژ را خودمان جمع کردیم؟ هزینه آن چقدر بود؟ چقدر فرار مغزها رخ داد؟ پول خرج کرده بودیم برای اینکه این نخبه‌ها را تربیت کنیم، اما شما همه این‌ها را ناامید کردید و تشکیلات کشورهای غربی بعضی از آن‌ها را جذب خود کردند - البته نمی‌دانم چند نفر از آن‌ها خارج از کشور رفتند - این‌ها هزینه است دیگر، شما باعث شدید که طمع دشمن به دستاوردهای ما زیاد شود، حالا چقدر باید خرج کنیم تا کشور عقب برود؟» پس ما هم باید شروع کنیم و لیست هزینه‌های سازش را بحث کنیم و به دلار برای آن‌ها بگوییم. اگر این کار را نکنیم، آن‌ها در جامعه جا می‌اندازند که «ما داریم از جیب مردم برای مقاومت هزینه می‌کنیم!» طرف هم اگر سخنان باشد - که سخنان است - و اگر عمامه سرش باشد - که عمامه هم سرش هست - برای مردم این مطلب را جا می‌اندازد. خب الآن آیت‌الله خامنه‌ای چه کار کردند؟ شش سال است که دارند نظام مقایسه می‌کنند و آرام‌آرام همه دارند متوجه می‌شوند که هزینه‌های سازش خیلی بیشتر است. حالا اگر این کار را ایشان نمی‌کردند، آیا ممکن بود که با ابلاغیه جلوی تغییر افکار عمومی را گرفت؟ آیا تصویب قانون می‌شد جلوی این کار را گرفت؟ جلوی نگرش‌های مردم را که نمی‌توان با تصویب قانون گرفت بلکه باید با نظام مقایسه این کار را کرد. حال بنده یک سؤالی می‌پرسم؛ این شش سال نرزش قهرمانانه ایشان که باعث شد مردم بفهمند که راه حل اقتصاد در مذاکره با آمریکا نیست بلکه با روی پا ایستادن خود و تلاش‌های خودشان در استقلال هست این کار فقط در این حوزه هست یا در ده حوزه دیگر هم می‌توان این کار را کرد؟ پس بسم‌الله شروع کنیم؛ برای مثال شروع به نظام مقایسه حوزه مسکن کنیم و علماً ورود پیدا کرده و جلسه بگذارند. آقایان علما همه ما منبر می‌رویم، همه به منبر رفته و راجع به این مسائل بحث کنند، بر سر منابر راجع به دار

چشیده و بواقعیت آن رسیده و با دانش آن نادانی خود را برطرف ساخته و کوری دل خود را بینا نموده و گوش دل خود را بدان شنوا ساخته و بوسیله آن دانسته آنچه گذشته و از دست رفته و زنده شده بوسیله آن پس از مردنش ...

واسعه و فواید آن صحبت کنیم و «ترکه» آن را نیز بگوییم؛ یعنی وضعیت آپارتمان، به دلیل اینکه آپارتمان ترک رشد است؛ یعنی ترک تعریف دار واسعه در تعریفان اصل است. باید از آپارتمان‌ها گزارش گرفت، ببیند که چقدر وضعیت آن به هم‌ریخته و با چالش روبرو است تا بتوانیم مسئله را مدیریت کنیم؛ بنابراین مبنای الگوی جدید نگرهبانی از نظام مفهوم نظام مقایسه است. اگر شما مفهوم نظام مقایسه داشته باشید خواهید دید که مردم بر سر دوراهی هستند؛ دوراهی که یک طرف آن تعریف دستگاه انبیاست و یک طرف آن هم تعاریف دستگاه بین‌الملل است. کارشناسان سازمان برنامه‌بودجه هم به همین شکل هستند؛ ما با آن‌ها دعوا نداریم و در حقیقت تقصیر خود من است. من راجع به خودم حرف می‌زنم و کاری به بقیه آقایان ندارم؛ وقتی ما هیچ کدام از اسناد بین‌المللی را نقد نکرده و نمی‌دانم که در روایات ما به این مقدار راجع به مسکن بحث است بر سر منبر نگفته، در صداوسیما نمی‌گویم در کتاب‌هایم نمی‌نویسم، در این صورت آن کارشناس سازمان برنامه‌بودجه باید متوجه شود که یک تعریفی به نام دار واسعه وجود دارد؟! از کجا برادر خوبم آقای نوبخت باید بفهمد که در این طرف هم یک تعریفی وجود دارد؟! تقصیر من است؛ وقتی من ورود به نظام مقایسه پیدا نمی‌کنم آن‌ها هم فکر می‌کنند که راه جهانی همین است.

حال باید یک مقدار دقیق‌تر بحث کرد؛ بنده عرض می‌خواهم که به این شکل حرف می‌زنم؛ وقتی فلان استاد حوزه علمیه می‌گوید که اصلاً این حرف‌ها در روایات بحث نشده یا یک جمله‌ای می‌پراند و می‌گوید سند همه این روایات ضعیف است، انگار ما و شما درس خارج نرفته‌ایم؛ بخش عظیمی از استظهارات آن‌ها مقبوله و مسئله را با وثوق صدوری^{۴۸} حل می‌کنند. اگر مبنا وثوق سندی^{۴۹} باشد و همه شما بخواهید مانند آیت‌الله خوئی^{۵۰} فکر کنید که در این صورت فتوای شما با چالش روبرو خواهد شد؛ به دلیل اینکه در هر بخش که ورود پیدا می‌کنید بسیاری از روایات وجود دارد که دارای ضعف سند هستند. اصلاً چه کسی گفته است که ضعف سند به معنای بی‌اعتباری روایت است؟! ضعف سند به این معناست که شما باید مثلاً غیر از احراز ثقه بودن سلسله یک روایت شواهد دیگری را هم دید و بررسی کرد؛ اما رسانه‌ها یک‌طوری تیتز زده که مشخص می‌شود ملأ نبوده و درس نخوانده‌اند. می‌گویند که ضعف سند دارد؛ خوب مشخص است، روایات صلاة و زکاة هم ضعف سند دارد، روایات حوزه قضا هم ضعف سند دارد. باید بحث را فنی کرد و با وثوق صدوری آن را حل کرد. البته آقایان کارهای دیگری را هم انجام می‌دهند. یا مثلاً جاافتاده است که می‌گویند تنها کتب اربعه معتبر است. خیلی خوب، کتب اربعه در جای خود معتبر هستند اما می‌توان یک مبنای رجالی را تعریف کرد و با شواهد دیگری نشان داد که منشأ کتب اربعه، کتب دیگری هستند. مثلاً بخشی از کتاب المحاسن عیناً در کتب اربعه بحث شده است. خوب این خود یک شاهدهی است که اعتبار کتاب محاسن هم به اعتبار کتب اربعه است. اگر ده شاهد به این شکلی آوردید مثلاً اگر بحث کردیم که مثلاً انضباطی را که بین سلسله اسناد کتب اربعه است نشان داده که در کتاب المحاسن و بقیه کتب هم هست در این صورت آن کتاب‌ها هم معتبر خواهند شد. نمی‌شود که با یک مسئله ضعف سند مسئله را حل و فصل کرد. به هر حال این یک بحثی است. اگر نظام مقایسه وارد دستور کار رفتار علما و فقها شود، نگرهبانی جدید از نظام یواش‌یواش شکل خواهد گرفت و پانزده و بیست سال آینده به سرعت باد خواهد آمد و بنده می‌بینم که در بیست سال آینده این اسناد بین‌المللی دیگر در کشور به این شکل جولان نخواهند داد. به دلیل اینکه یک

۴۸. وثوق سندی، عبارت است از مبنایی فقهی که اعتبارسنجی احادیث منسوب به اهل بیت علیهم السلام را در گرو اتصال سلسله سند روایت تا معصوم توسط روات صحیح المذهب و ثقه می‌داند.

در مبنای وثوق صدوری نیز علاوه بر تأیید روش «احراز سندی»، احراز صدور حدیث از معصومین در صورت وجود قرائن علم‌آور به انتساب حدیث به ایشان را نیز ممکن می‌داند.

۴۹. همان

۵۰. سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۲۷۸-۱۳۷۱ش) از مراجع تقلید شیعه و یکی از رجالین معاصر که کتاب معجم رجال وی بسیار مشهور است.

جریان طلبگی ورود پیدا کرده و این اسناد بین‌المللی را از حیث تعریف با تعاریف فقهی مقایسه خواهد کرد و یواش‌یواش ذهن مردم و مسئولین ما صورت بهینه‌ای پیدا خواهد کرد. بحث در نظام مقایسه هم زیاد است لذا از آن عبور خواهیم کرد.

۴. سؤال چهارم: ساختار اجرای الگوی جدید نگهبانی از نظام چیست؟

بحث چهارم بحث‌های بنده این است که حالا این نظام مقایسه چه ساختار اجرایی دارد؟ این مبنایی که ما بحث کرده‌ایم که بر اساس آن می‌توان نگهبانی از نظام را مدیریت کرد، چطور آن را اجرایی کنیم؟ ما یک ساختار بسیار ساده‌ای برای اجرای آزمایشی الگوی نگهبانی از نظام پیشنهاد داده‌ایم؛ آن ساختار عبارت از دو کار اساسی است؛

۴/۱. تدوین گزارش‌هایی بر مبنای نظام مقایسه میان تعاریف فقهی و تعاریف اسناد بین‌المللی؛ دسته اول سازوکار اجرایی الگوی جدید نگهبانی از نظام

دسته اول آن این است که یک سازوکار اجرایی در یکی از مجموعه‌های نظام - که پیشنهاد ما شورای محترم نگهبان است - ایجاد شود که گزارش‌هایی حاوی نظام مقایسه میان تعاریف اسناد بین‌المللی و تعاریف فقهی نوشته شود. البته خود ما با بضاعت مزجایی که داریم این کار را انجام می‌دهیم اما باید تبدیل به یک سازوکاری شود؛ باید یک سری مشورت‌ها و جلسات تخصصی صورت بگیرد، باید لیگ اتفاق بی‌افتاد. باید مباحثه و گفتگو صورت بگیرد بعد هم در نهایت یک مجموعه‌ای یک گزارش تهیه کند. مثلاً در همان موقعی که بنده دوره اول مباحثات حوزه پیشگیری از بیماری را بحث کرده بودم اعلام کردم که هدف اول ما این است که یک گزارشی بنویسیم که در آن گزارش نشان دهیم که بخش سوم سند ۲۰۳۰ که موضوع آن سلامت است، چند دسته اختلاف تعریفی با فقه ما دارد و پیشنهاد جایگزینی ما چیست. پس مثلاً گزارش حوزه طب ۵۰ صفحه بحث خواهد شد که این طرف تعاریف سلول بنیان و این طرف هم تعاریف‌های مزج بنیان و مزاج محور را بحث می‌کند. این یک گزارش است و بخش اول آن است، تک نفره هم می‌شود این کار را کرد البته اگر جمعی باشد پخته‌تر است.

۴/۲. اشتراک‌گذاری این گزارش میان مدیران فعلی و مدیران آینده و طلاب حوزه‌های علمیه؛ دسته دیگر اقدامات مورد نیاز برای اجرای الگوی جدید نگهبانی از نظام

کار دیگر این است که با سه گروه جمعیت کشور این گزارش‌ها به اشتراک گذاشته شود. ببینید همه مردم از حیث تاثیرگذاری بر روال اجرایی کشور، تأثیر برابر ندارند. بخشی از مردم که تصمیمات آن‌ها مؤثر بر اجراست این گزارش‌ها را برای بررسی به آن‌ها ارجاع دهیم، این‌ها سه دسته انسان هستند؛ اول چهار هزار مدیر داریم که در بخش‌های مختلف در حال تصمیم‌گیری هستند. شورای محترم نگهبان باید آن گزارش را جهت بررسی این مدیران به آن‌ها ارجاع دهد. مدیران هم طبیعتاً به زیرمجموعه‌ها جهت بررسی ارجاع می‌دهند؛ در این صورت به بهانه بررسی گزارش شورای نگهبان بازخوانی اختلاف تعاریف در دستگاه‌ها شروع می‌شود. یک وقتی بنده زیر یک گزارشی را امضا می‌کنم، همین کار را نیز گاهی اوقات انجام می‌دهند؛ در این صورت گزارش بنده به صد دستگاه ارجاع می‌شود؛ اما به دلیل اینکه ما انسان کوچکی هستیم ده دستگاه گزارش ما را مطالعه می‌کنند، همین که شروع به مطالعه می‌کنند؛ خواهند دید که دودسته تعریف است؛ یک دسته تعاریف فقهی و یک دسته هم تعاریف پوزیتوستی است همین که بخوانند مقایسه در ذهن‌ها شروع می‌شود یعنی تأثیرگذاری بر روی ذهن‌ها شروع خواهد شد؛ اما یک وقتی هم شورای نگهبان این کار را می‌کند؛ به دلیل اینکه یک مقام منی مملکتی است همه گزارش آن شورا را خواهند خواند؛ بنابراین با همین یک گزارش فرایند نظام مقایسه شروع شده و روند تاثیرگذاری نرم بر اذهان مسئولین شروع خواهد شد؛ یعنی وجهه تصمیم‌سازی شورای نگهبان ارتقا پیدا خواهد کرد. خود شما ملأ و کارشناس هستید، ببینید که چقدر فرایند کم‌خرجی است و هزینه‌های اجرایی هم ندارد.

کار بعدی هم این است که همین گزارش را به مدیران آینده نظام که جوانان نخبه هم هستند ارجاع دهید؛ از الآن ذهن آن‌ها را درگیر نظام مقایسه تعاریف فقهی و پوزیتویستی کنید درست است که در حال حاضر مسئول نیستند اما ده سال آینده وزیر و نماینده مجلس هستند. شورای محترم نگرهبان باید یک بانکی از آن‌ها را تهیه کند که احتمالاً چهل هزار نفر هستند؛ اگر عدد مدیران فعلی هستند ما چهل هزار انسان داریم که احتمال دارد در آینده مدیر شود. باید ذهن آن‌ها را درگیر کرد؛ و واقعاً برای بررسی تعاریف آن‌ها وقت بگذارد و ارسال گزارش نباید صورتی باشد بلکه باید فرایندی برای گرفتن آرای آن‌ها هم تعریف شود. نباید مانند برخی از فرایندهایی که مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت^{۵۱} نوشته است -البته بنده خیلی کم به این مرکز انتقاد می‌کنم به دلیل اینکه کار ایشان سخت است- ایشان یک فرمی را آماده کرده‌اند و گفته‌اند که پیشنهاد اصلاحی یا انتقاد خود را به بندهای سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ر به سند پایه الگو برای ما ارسال کنید. خوب وقتی شما به این شکل رفتار کنید خیلی‌ها انگیزه پیدا نمی‌کنند؛ بلکه باید یک مقدار سازوکار گرفته انتقادات نخبگان را یک مقدار ارتقا داد. مثلاً باید برای آن‌ها جلسات تخصصی با یک مدل خاص گذاشته شود، در همه شهرها هم این کار امکان دارد و دفاتر شورای نگرهبان در همه شهرها می‌توانند این کار را انجام دهند.

کار سوم هم این است که این گزارش به طلبه‌های حوزه‌های علمیه هم گزارش داده شود. طلبه‌ها هم به‌عنوان جمعیت‌هایی که خیلی از آن‌ها انتظار می‌رود، یعنی از آن‌ها انتظار می‌رود که نظام را پشتیبانی کنند اما همیشه بنده از مدیران اجرایی کشور انتقاد کنم - مدیران اجرایی در حوزه آمده و به ما طلبه می‌گویند که شما باید نظام را پشتیبانی فکری کنید، خوب در این صورت من هم یک سؤالی می‌پرسم؛ اگر من یک کار فکری کردم به چه شکل آن را به نظام برسانم؟ در حال حاضر تنها یک سازوکار اولیه وجود دارد شما باید به‌زحمت آیت‌الله اعرافی را دیده و وقت بگذارید و ایشان را توجیه کنید، بعد آیت‌الله اعرافی مثلاً یک نامه‌ای بر روی طرح شما به یک مسئولی بزنند؛ یعنی وقتی شما می‌گویید که حوزه باید از نظام پشتیبانی کند از سوی دیگر هم باید سازوکارهای داخل نظام برای این کار باید تعریف شود. حال یک طلبه‌ای است که خود او با روابط انسانی خود به صداوسیما رفته و جاهای دیگر می‌رود و حرف‌های خود را می‌زند؛ اما از این سازوکارها برای همه باز نیست.

۵۱. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ دوم خرداد سال ۱۳۹۰ در حکمی، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را تشکیل دادند و رئیس و اعضای شورای عالی آن را منصوب کردند. متن حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی به این شرح است: بسمالله الرحمن الرحیم... با توجه به عزم جدی برای دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و لزوم استفاده هم‌جانبه از ظرفیتهای موجود در عرصه‌های علمی (حوزه‌های و دانشگاهی) در جهت فراهم‌سازی مقدمات تدوین الگو و توسعه گفتمانی و تولید علم در این حوزه، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تشکیل می‌گردد و حضرات آقایان: دکتر صادق واعظزاده، حجت‌الاسلام علیاکبر رشاد (رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، حجت‌الاسلام احمد واعظی (رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم)، حجت‌الاسلام دکتر میرمعزی، دکتر داودی، دکتر خلیلی عراقی، دکتر زاهدی وفا، دکتر اکبرزاده، دکتر سعید جبل عاملی، دکتر میرغفوری را به عنوان اعضای شورای عالی مرکز و آقای دکتر صادق واعظزاده را به عنوان رئیس شورا و رئیس این مرکز منصوب می‌نمایم. مزید توفیقات آقایان را از خداوند متعال خواستارم. سیدعلی خامنه‌ای

۲/خردادماه/۱۳۹۰

پس از ابلاغ حکم مقام معظم رهبری، اولین جلسه شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ تشکیل شد. اساسنامه مرکز نیز به مدت یک ماه پس از ابلاغ حکم تأسیس مرکز، به تصویب مقام معظم رهبری رسید. در نتیجه، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تحت نظر مقام معظم رهبری، نهادی است علمی و پژوهشی دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی، اداری و استخدامی که طبق اساسنامه خود اداره می‌گردد. رئیس و اعضای شورای عالی مرکز با حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی برای یک دوره سه ساله منصوب می‌شوند.

آدرس مطلب در سایت رسمی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۰ yon.ir/9Hbw

یک خاطره تلخ دیگر هم بیان کنم - بنده امروز خیلی مصیبت گفتیم - ما با یک سازوکار پیچیده‌ای که از نوع سازوکارهای حضرت نوح علیه السلام بود خود را به دفتر یکی از مدیران ارشد نظام رساندیم. با ایشان نشستیم و جلسه گذاشتیم و راجع به یک سند بین‌المللی در حال بحث بودیم که ایشان به بنده گفتند: حاج آقا اگر اجازه دهید ما وقت جلسه با شما را کم کنیم، - ما واقعاً با یک مصیبتی نزد ایشان رفتیم - بعد به ایشان گفتیم برای چه؟ ایشان فرمود به دلیل اینکه کارشناسان سازمان ملل در پایین منتظر من هستند! یعنی در آن سو یک سازوکار آماده است که کارشناسان سازمان ملل با مدیران ما حرف بزنند. حال عیب از شورای عالی حوزه است، نمی‌دانم، عیب از مرکز مدیریت است، نمی‌دانم؛ عیب از آیت‌الله اعرافی است نمی‌دانم و نمی‌خواهم راجع به آن بحث کنم. عیب از وزارت خانه‌های ماست، نمی‌دانم اما من این را می‌دانم؛ بنده در حجره‌های طلبه‌ها هستم و با آن‌ها رفته و بحث می‌کنیم و غذا می‌خوریم من طلبه‌هایی را می‌شناسم که افکاری در ذهن دارند که می‌توانند وضعیت زندگی مردم را تغییر دهند. اگر یک سازوکار تعریف شود که یک طلبه هم بتواند فکر خود را با مسئولین نظام به اشتراک بگذارد. آن وقت شما می‌توانید انتظار داشته باشید که طلبه‌ها هم ورود حکومتی داشته باشند. یکی از این سازوکارها همین است که شورای نگهبان این گزارش‌ها را برای مدیران مدارس بفرستد و از آن طرف از سوی نگهبان هم بازخورد گرفته شده و برای دستگاه‌ها ارجاع شود. البته این کار دارای آیین‌نامه‌های ریز دارد که ما بعداً آن را بحث خواهیم کرد؛ بنابراین بخش دوم عبارت از این است که با گروه‌های مرجع در حوزه تصمیم‌گیری نظام این گزارش‌ها به اشتراک گذاشته شود و توسط آن‌ها بررسی شود و از آن‌ها بازخورد گرفته شود. این هم بخش چهار عرایض بنده. اگر کسی این نظام مقایسه را در این روند اجرایی بگذارد، واقعاً فضای نظام مقایسه در کشور اتفاق می‌افتد و دیگر این‌گونه نیست که تعاریف موجود در اسناد بین‌المللی در ذهن کارشناسان ما تأثیر بگذارد.

۵. سؤال پنجم: موضوعات اولویت‌دار برای الگوی جدید نگهبانی از نظام چیست؟

و محور پایانی عرایض بنده این است که اگر کسی بخواهد این الگو را اجرایی کند اولویت‌های پرداخت این الگو کجاست؟ کجاها بیشتر از همه جا اولویت دارد؟ که بر اساس الگوی جدید نگهبانی از نظام، نگهبانی اتفاق بیافتد. من در جلساتی برخی از اولویت‌ها را عرض کرده‌ام ولی دوباره در این جلسه، نظر کارشناسی خودمان در شورای راهبردی را عرض می‌کنم.

۵/۱. مسکن؛ اولین اولویت موضوعات برای الگوی جدید نگهبانی از نظام

مهم‌ترین اولویت از نظر ما مسئله مسکن است. اگر مدل ساخت مسکن در جمهوری اسلامی تغییر پیدا نکند، زمینه اجرای ده دسته از احکام الهی وجود ندارد و تحقق پیدا نخواهد کرد. حتی اگر شما در همه کانال‌های [تلویزیون] این ده دسته را تبلیغ کنید. حکم بازی کودکان را مثال زدیم، حکم صلح‌رحم را مثال زدیم، حکم همسایگی را مثال زدیم؛ با خانه آپارتمانی نمی‌شود این احکام را عملیاتی و اجرایی کرد. خب همین‌جا یک شبهه مقدر را پاسخ دهیم: برخی‌ها می‌گویند «سرزمین ایران این اجازه را به ما نمی‌دهد [که به ساخت دار و اسعه اقدام کنیم] چه از حیث آب و چه از حیث مدیریت و در مجموع، از حیث سکونتگاه بودن، چنین اجازه‌ای به ما نمی‌دهد.» این حرف، یک حرف بسیار غیر کارشناسی است؛ یعنی هم از حیث مدیریت آب، هم از حیث مدیریت روابط انسانی و مسائل شغل و منابع طبیعی و این‌ها، ما بیش از این وضعیتی که الآن داریم متمرکز سکونتگاه می‌سازیم، می‌توانیم در سایر اراضی مان خانه بسازیم؛ منتهی باید مدل‌ها را تغییر داد. حالا من الآن بحث نمی‌کنم که مثلاً وقتی شما مدل تأمین آب‌تان متمرکز است، [چگونه انتظار دارید مسئله آب حل شود] بگذارید یک مثال عینی بزنم: مثلاً می‌خواهید آب شهر تهران را با سامانه‌های متمرکز تهیه آب، تأمین کنید. بعد می‌روید آب پشت سد ماملو را برمی‌دارید و به تهران می‌

آورید و هشتاد هزار هکتار اراضی ورامین بدون حق آبه کشاورزی می‌شوند یا عوارضی این‌گونه پیدا می‌کنند. بله! اگر این‌گونه بخواهید آب شهرها را تأمین کنید، آب موردنیاز قم را هم نمی‌شود تأمین کرد. چون به‌زور یک سد ۱۵ خرداد دارید و بعد تازه آب سرچشمه‌های زاگرس را هم به اینجا منتقل می‌کنید و سپس می‌گویید آب اینجا تأمین نمی‌شود؛ اما اگر سامانه تولید آب را به‌مانند آنچه ما در سامانه تولید آب غیرمتمرکز بحث کرده‌ایم، شش بخش است که تأمین آب را از حالت متمرکز خارج کرده‌ایم. یکی از مشکلاتی که سامانه‌های تولید آب متمرکز دارند هدر رفت آب است. یکی از مشکلاتی که ما با سدها داریم تبخیر آب است. طبق برخی از گزارش‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد حجم آب پشت سدها همیشه تبخیر می‌شوند. خب شما ۲۰ تا ۳۰ درصد آب را دارید تبخیر می‌کنید! بعد می‌گویید آب کم است. آیا نمی‌شود به یک مدل دیگری از استحصال آب فکر کرد که مثلاً این مضرات را نداشته باشد؟ حالا ان‌شاءالله در بخش مدیریت آب که جلسه گذاشتیم این‌ها را عرض می‌کنیم. مهم‌ترین مسئله‌اش همین مسئله آب است؛ اگر کسی بتواند یک الگوی جایگزین برای مدیریت آب ارائه بدهد می‌تواند سکونت‌گاه را گسترش بدهد. اگر بافت مشاغل تغییر پیدا کند و شما اصرار نداشته باشید که مشاغل صنعتی باشند، جمعیت متمرکز در تهران و شهرهای صنعتی در سایر مناطق توزیع می‌شوند و ما با پدیده مترقی روستاهای بزرگ در آینده روبرو خواهیم بود که می‌توانیم آن‌ها را به قطب‌های تولیدی کشور تبدیل کنیم که حالا ان‌شاءالله در دیگر مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آن‌ها را بحث خواهیم کرد. پس مسئله مسکن یک اولویت است. اتفاقاً در گزارشی که ما داریم در حوزه مسکن آماده می‌کنیم تمرکزمان بر روی امکان وقوع این حرف است. چون فرض آقایان این است که مثلاً شهر قم، از ۷۲ تن تا پردیسان را شامل می‌شود؛ یعنی طول و عرض آن همین قدر است. این طرف آن‌هم مثلاً از نزدیکی‌های سلفچگان شروع می‌شود تا به ارده‌ها می‌رسید. خب مگر چقدر می‌شود جمعیت را در اینجا ساکن کرد؟ خود هسته مرکزی شهر قم هم که خیلی کوچک است! خب وقتی مساحت سرزمینی قم را این‌گونه تعریف می‌کنید یک ترکیب جمعیتی را می‌توانید مستقر کنید اما اگر نه! گفتید می‌شود از سرزمین‌های مجاور هم استفاده کرد؛ آن وقت شما حتماً می‌توانید مدل ساخت مسکن در قالب آپارتمان را تغییر دهید. من یک قدم نرمش قهرمانانه بکنم (مثل همیشه که در وزارتخانه‌ها نرمش قهرمانانه می‌کنم) می‌گوییم بالاخره شما الان در پنجاه درصد کشور آپارتمان ساخته‌اید؛ الان ما در کشورمان در پنجاه درصد دیگر، دار و اسعه داریم؛ همین‌ها را لطفاً از بین نبرید. قوانین سخت‌گیرانه بگذارید تا این‌ها به آپارتمان تبدیل نشوند! یک آدم ساده‌اندیشی به من می‌گفت: من پنج خانواده را در این پنج طبقه جا داده‌ام! ظاهرش این است که شما صرفه‌جویی کرده و برای آن خانوارها جا تأمین کرده‌اید ولی همین که دقت می‌کنید می‌بینید چون روابط انسانی این پنج خانواده را به چالش کشیده‌اید، هزینه‌های اداره کشور را افزایش داده‌اید. وقتی خانه بهم می‌خورد، هزینه‌های کشور افزایش پیدا می‌کند. اول هزینه‌های کشور هم هزینه‌های حوزه سلامت است؛ خانه‌های آپارتمانی منشأ پیدایش بیماری‌های جسمی، روحی و روانی است. چون در آن‌ها تفریح وجود ندارد. حالا ما در مقررات ملی ساختمان الگو بحث کرده‌ایم: باب دوم مقررات مرتبط با فرح است. ساختمان باید معلوم باشد چقدر قدرت ایجاد فرح دارد، چون قرار است انسانی در آن زندگی کند که به فرح نیاز دارد. بعد در باب دوم، پنج دسته عوامل ایجاد فرح را می‌شود در همه ساختمان‌ها تعبیه کرد. اولین بخش فرحی که می‌شود در همه ساختمان‌ها فراهم کرد مسئله آب و حوض است. بدون آب، فرح انسان‌ها گرفته می‌شود. [یکی دیگر از این مسائل] مسئله نگهداری حیوانات خانگی است. اساساً خانه‌ای که در آن، حیوانات خانگی نباشد، آن خانه خارج از [تعریف صحیح خانه است] نسل ما این کارتون خانه مادر بزرگه را یادش می‌آید که مثلاً کارتون محبوب دوره ما بود. مادر بزرگی بود که خانه‌اش پُر از حیوانات خانگی بود؛ پُر از فرح برای بچه‌های همسایه و برای نوه

های آن مادر بزرگ بود. این تصویری که در کارتن خانه مادر بزرگ هست یک تصویر واقعی است. منتهی ما سر منبر کلی گویی می‌کنیم و می‌گوییم کبوتر مستحب است^{۵۲}، خروس سفید مستحب است^{۵۳}؛ یعنی در همین حد نگاهش می‌داریم. خوب برای چه این‌ها مستحب شده است؟ برای اینکه در خانه فرح باشد. حالا من از روایات خاک خوردمان خدمت شما بخوانم: مثلاً امام می‌فرماید وقتی می‌خواهید به همسرتان هدیه بدهید گوسفند هدیه بدهید.^{۵۴} امام که در اوج عقل است این حرف را می‌زند. خوب نمی‌شود در این روایت درایه کرد؟ نمی‌شود نظام خواص این نوع هدیه خاص را بحث کرد؟ اگر حیوانات خانگی نباشند بیماری ام. اس زیاد می‌شود. پوزیتویست‌ها می‌خواهند قبول کنند می‌خواهند نپذیرند. می‌خواهد سخت‌شان باشد یا نباشد. اگر حیوانات خانگی باشند بیماری‌های روحی و روانی کاهش پیدا می‌کند. این یک باب مفصل است که ما جزو مقررات ملی ساختمان، آن را آورده‌ایم. بخش درخت و گیاه و سایر بخش‌های فرح را هم ان‌شاء الله بعداً بحث می‌کنم. لذا باب دوم مقررات ملی ساختمانی که ما نوشته و ان‌شاء الله بعداً آن را بحث می‌کنیم، باب فرح است یا اسم دیگرش باب حیاط است. مفصل راجع به کارکردهای پنج‌گانه حیاط خانه بحث کرده‌ایم و گفته‌ایم خانه‌ای که حیاط ندارد حیات ندارد. گفته‌ایم «شرف‌ها الساحة الواسعة» این حرف‌های امام علیه‌السلام است؛ این‌ها که حرف‌های پوزیتویست‌ها و فلان کارشناس وزارت مسکن نیست. امام علیه‌السلام می‌فرماید خانه اگر حیاط نداشته باشد بی‌شرف است. شرف آن را هم با تشکیل خانواده روایات بحث کرده‌ایم. خانه‌ای بی‌شرف است یعنی بی‌فرح است. در این مناسبت‌ها تهرانی‌ها را نگاه کنید: همه به شمال کشور می‌روند. بدون استثناء در هر هفته و هر مناسبتی هم می‌روند. بعضی غلط تحلیل می‌کنند و می‌گویند اینها خوشگذران شده‌اند در حالی که تحلیل فنی این است که مشکل نوع ساختمان‌های پُر از غمی است که در تهران موجود است؛ و اینها مجبورند این نوع تفریح‌ها را زیاد کنند که حالا البته آن نوع تفریح عوارضی دارد. لذا ما در باب ساختمان، خیلی حرف داریم. ما با هیبتات مشکل داریم؛ هیبتات باید بگویند تأثیر خانه‌ای که می‌سازد بر روی روابط انسانی چیست. این یک بحث است.

۵۲. مِنْ كِتَابِ طَبِّ الْأَيْمَةِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اتَّخَذُوا فِي بُيُوتِكُمُ الدَّوَابَّ يَسْتَأْغِلُ بِهَا الشَّيْطَانُ عَنْ صِبْيَانِكُمْ.

همچنین از آن حضرت نقل شده است که فرمودند: «در خانه هر بیغمبری کبوتری وجود داشت، زیرا سفیهان جنیان با کودکان بازی می‌کنند و چون کبوتر در خانه‌ای باشد به آن سرگرم شده و از کودکان دست بر می‌دارند.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۹

۵۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: ذَكَرَ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ عِ حُسْنِ الطَّوَّاسِ فَقَالَ لَا يَزِيدُكَ عَلَى حُسْنِ الدَّيْكَ الْأَبْيَضِ شَيْءٌ قَالَ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الدَّيْكَ أَحْسَنُ صَوْتًا مِنَ الطَّوَّاسِ وَ هُوَ أَكْبَرُ بَرَكَةً يُنْبَهُكَ فِي مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا يَدْعُو الطَّوَّاسُ بِالْوَلِيِّ لِخَطِيئَةِ الَّتِي ابْتُلِيَ بِهَا.

نزد امام رضا علیه‌السلام، از زیبایی طاووس یاد شد. ایشان فرمود: زیباتر از خروس سفید برای تو نیست؛ و می‌فرمود: خروس از او خوش‌آوازتر و با برکت‌تر است و به وقت نماز تو را آگاهی دهد و طاووس بنالد از گناهی که بدان دچار شده است.

کافی، ج ۶، ص ۵۵۰

۵۴. حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ الْمُطِيبِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ علیه‌السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعًا عَشْرَ بَابٍ مِمَّا يُضْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ علیه‌السلام ... أَفْضَلُ مَا يَتَّخِذُهُ الرَّجُلُ فِي مَنْزِلِهِ لِعِيَالِهِ الشَّاةُ فَفَمَنْ كَانَتْ فِي مَنْزِلِهِ شَاةٌ قَدَسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً وَ مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ شَاتَانِ قَدَسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مَرَّتَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ كَذَلِكَ فِي الثَّلَاثِ تَقُولُ بورك فيكم...

...بهترین چیزی که مرد در خانه برای عیال خود بگیرد گوسفند است هر که یک گوسفند در منزل دارد ملائکه روزی یک بار او را تقدیس کنند و اگر دو گوسفند دارد روزی دو بار او را تقدیس کنند و در سه گوسفند سه بار به او گویند مبارک باشید...

الخصال، ج ۲، ص ۶۱۷

۵/۲. سلامت؛ دومین اولویت موضوعات برای الگوی جدید نگهداری از نظام

بحث دوم در درجه اولویت، مسئله سلامت و طب مردم است. WHO ناکارآمد است، بیماری‌ها دائماً دارند افزایش پیدا می‌کنند، با طرح پوشش همگانی سلامت که پیشنهاد بخش سوم سند توسعه پایدار است مسئله حل نمی‌شود. باید تعریف‌های پایه طب تغییر پیدا کند؛ لذا ما باید گزارش بخش سلامت را هم بنویسیم؛ مثلاً WHO هنوز نفهمیده که نمک دریاق اکبر است. ببینید! تعاریف ساده را هنوز متوجه نیست که نمک پادزهر است. امام صادق علیه السلام فرمود «نمک پادزهر است.»^{۵۵} حالا بنده در بحث نمک یک بحثی کرده‌ام که «لم یطمئن قلبهم انس و لا جان» در آنجا ساختار پادزهر بودن نمک را بحث کرده‌ام که چیست. این‌ها نمک را تصفیه کرده و مثلاً پتاسیم آن را حذف می‌کنند که خوردنش باعث فشار خون می‌شود. حالا ما با چنین سازمانی مشکل‌داری روبرو هستیم واقعاً WHO به حیط تعریفی سازمان عقب افتاده‌ای است. پس در این موضوع اولویت دارد که ما یک گزارش بنویسیم و بحث کنیم و ببینیم می‌توانند جواب سوالات ما را بدهند یا نه. این‌ها فکر کرده‌اند می‌توانند این تعاریف را تا آخر جلو ببرند.

۵/۳. مکاسب؛ سومین اولویت موضوعات برای الگوی جدید نگهداری از نظام

حوزه شغل کشور، سومین اولویتی است که الگوی جدید نگهداری از نظام باید در مورد آن بحث کند؛ اینکه سنجه‌های فقهی مکاسب چیست؛ مثلاً سنجه‌های اصلی سازمان بین المللی کار، مسئله زمان است؛ اشتغال ناقص از حیث زمان. در حالی که ما سنجه اصلی مسئله شغل را فاصله محل شغل تا خانه تعریف کرده‌ایم. اگر فاصله شغلی از حیث مسافت با خانه صاحب شغل زیاد شود، زندگی آن فرد به چالش کشیده می‌شود؛ مثلاً مردمی که در کرج ساکن هستند، این‌ها دو ساعت به تهران می‌روند و دو ساعت بازمی‌گردند، این، چهار ساعت؛ هشت ساعت هم در محل کار هستند؛ این، دوازده ساعت. خب دیگر هیچ فرصتی ندارند. وقتی به خانه برمی‌گردند نه می‌تواند فرزندانش را تربیت کند، نه می‌تواند روابط جنسی‌اش را مدیریت کند، نه می‌تواند روابط عاطفی‌اش را مدیریت کند، نه می‌تواند حقوق همسایگی‌اش را مدیریت کند و نه می‌تواند صله رحم به جا

۵۵. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع ابْدَأُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارُوهُ عَلَى الدَّرْيَاقِ الْمُجْرَبِ.

امام علی : غذایان را با خوردن نمک آغاز کنید؛ چه، اگر مردم می‌دانستند که نمک چه فوایدی دارد آن را بر پادزهر مجرب ترجیح می‌دادند.

کافی ج ۶ ص ۳۲۶

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخِرَازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: إِنَّ الْعُقْرَبَ لَسَعَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ لَعَنَكَ اللَّهُ فَمَا تُبَالِيَنَّ مُؤْمِنًا أَذِيَّتْ أَمْ كَافِرًا نَمَّ دَعَا بِالْمِلْحِ فَدَلَّكَهُ فَهَدَّتْ نَمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا بَعُؤَا مَعَهُ دَرِيَّاقًا

عقربی رسول خدا ص را نیش زد. حضرت رسول فرمودند: خدا تو را از خیر دور گرداند که باکی نداری که مؤمنی را اذیت کنی یا کافری را. حضرت پس از آن نمک خواستند و آن را بر جای نیش مالیدند که باعث خار شدن زهر آن شد. امام باقر فرمود: اگر مردم می‌دانستند چه فوایدی در نمک وجود دارد، دیگر سراغ پادزهرها نمی‌رفتند.

کافی ج ۶ ص ۳۲۷

همان صفحه، با تفاوت الفاظ به سند: «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ وَ عَمْرٍو بْنِ إِبْرَاهِيمَ جَمِيعاً عَنْ حَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ...»

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُثَيْدٍ الْيَطْبِينِيُّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنِ

أَبَائِهِ ع ... ابْدَأُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ «۳» فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارُوهُ عَلَى التَّرْيَاقِ الْمُجْرَبِ مِنْ ابْتِدَاءِ طَعَامِهِ دَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً.

امیرالمؤمنین ع فرمودند: در آغاز غذا خوردن اول نمک بخورید که اگر مردم می‌دانستند چه خواصی در نمک است آن را بر دارویی که آزمایش شده است مقدم می‌داشتند کسی که غذایی را با خوردن نمک شروع کند هفتاد درد از او می‌رود و آنچه جز خدای عز و جل نمی‌داند. [ترجمه فهری]

الخصال ج ۲ ص ۶۱۰ و ۶۲۳

بیاورد. از مردی که چنین شغلی دارد تنها یک قاب عکس روی دیوار هست. تلفنی و پیامکی و حتی می‌توان با او ارتباط گرفت ولی او دیگر نیست. امام علیه السلام خیلی حکیمانه فرموده‌اند که از سعادات مرد این است که محل شغلش نزدیک خانه‌اش باشد.^{۵۶} خب ما با این شاخص فقهی، نظام مشاغل را ارزیابی می‌کنیم. کدام شغل خوب است و کدام شغل بد است. شاخص‌های دیگری هم برای شغل داریم که بعداً آنها را بحث می‌کنم. این‌ها می‌گویند شغل، شانزده سنجه اصلی دارد ما می‌گوییم سنجه‌های ما ۸ مورد است. البته ما یک مجموعه محدود فقهی هستیم، من به نظرم می‌رسد اگر کار بکنیم حرف‌ها دقیق‌تر می‌شود. پس این هم بحث سوم است که ما راجع به مسئله شغل باید یک گزارشی را تنظیم کنیم.

۵/۴. نفی سبیل؛ چهارمین اولویت موضوعات برای الگوی جدید نگهبانی از نظام

بخش چهارمی که ما پیشنهاد کرده‌ایم راجع به آن، گزارش نظام مقایسه نوشته شود، تعاریف حوزه نفی سبیل است که در واقع تعاریف فقهی ما با بخش شانزدهم سند توسعه پایدار مقایسه می‌شود. در آنجا در بخش شانزدهم، سازمان ملل به دنبال ترویج جوامع صلح‌جو است. تعریف صلح از نظر سازمان ملل چه است؟ آیا اگر کسی از خودش دفاع کرد این خلاف صلح عمل کرده یا نه؟ آیا جزو تعریف صلح، مفهوم عدالت از نظر سازمان ملل لحاظ شده است یا نه؟ چون ما همگی قبول داریم که هر جا عدالت نباشد، جنگ است؛ خب حالا سازمان ملل دم از صلح می‌زند صلحش با قید عدالت است یا نه صلح آن، بدون لحاظ عدالت است؟ بعداً تفصیلی بحث می‌کنم که در صلح سازمان ملل، مفهوم طبیعی دفاع از خود و عدالت نهفته نیست؛ لذا اتفاقاً صلح پیشنهادی سازمان ملل منشأ جنگ است؛ چون اجازهٔ دفاع از خود نمی‌دهد و عدالت را هم جزو ذاتی صلح ندیده است.

۵/۵. مدیریت پایدار آب؛ پنجمین اولویت موضوعات برای الگوی جدید نگهبانی از نظام

و در نهایت بخش پنجمی که باید راجع به آن بحث کنیم و خیلی اولویت دارد، تضمین دسترسی به آب و مدیریت پایدار آب است. البته بنده نمی‌خواهم وارد حرف ۰ های مناقشه آمیز شوم که مثلاً تأمین آب منازل مسکونی با مدل سازمان ملل، اراضی کشاورزی را فلج می‌کند. روی این حرف بنده دقت کنید؛ با تحقیقات و مباحثاتی که انجام داده‌ایم، سومین یا چهارمین سرزمین حاصلخیز ایران دشت ورامین است و حق آبهٔ این دشت از سد ماملو بوده است. خب حالا تهران مشکل آب پیدا کرده است و مردم در آن ساکن‌اند و متغیر امنیت ملی است - ما هم مسائل امنیتی را می‌فهمیم - نمی‌گوییم چرا آب را به تهرانی‌ها داده‌اند، بلکه می‌گوییم چرا مدیریت آب به شکلی است که حتماً باید بین بد و بدتر انتخاب کرد؟ آیا نمی‌توان مدیریت آب را به گونه‌ای تغییر داد که هم تهرانی‌ها آب داشته باشند و هم این دشت حاصلخیز احیا شود؟ دشت ورامین را می‌توان در آینده دشت

۵۶. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتَجَرَّةً فِي بَلَدِهِ وَ يَكُونَ خُلَطَاءُ صَالِحِينَ وَ يَكُونَ لَهُ وَ لِدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: از موارد خوشبختی مرد این است که محل تجارتش در شهر و دیار خودش باشد و با نیکان رفت و آمد نماید و فرزندان مددکار داشته باشد.

کافی، ج ۵، ص ۲۵۸ / مشابه: الخصال، ج ۱، ص ۱۵۹

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ النَّبِيِّ ع عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَكْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي سَهْلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ثَلَاثَةٌ مِنَ السَّعَادَةِ الرَّوْحَةُ الْمُؤَاتِبَةُ وَ الْأَوْلَادُ الْبَارُونَ وَ الرَّجُلُ يُرْزُقُ مَعِيشَتَهُ بِبَلَدِهِ يَغْدُو إِلَى أَهْلِهِ وَ يَبْرُحُ.

امام صادق علیه السلام فرمود: «سه چیز از سعادت انسان است: همسر موافق و مطیع، فرزندان نیکوکار و قرار داشتن محل کار وی در شهرش که صبحگاهان و شامگاهان نزد خانواده‌اش برود.»

کافی، ج ۵، ص ۲۵۸ / مشابه: تهذیب الاحکام، ج ۷، ص

طبیات کرد اما اول باید مسئله آب آن حل شود. چون وزارت نیرو نمی‌تواند به شکل دیگری فکر کند، رفته است با قرارگاه خاتم الانبیا برای مهار آب‌های سطحی تهران قرارداد نوشته است. تهران، قنات، قنات (شهر پر قنات) ایران است، اما چون نمی‌تواند آن را استحصال کند به بهانه آنکه چاه فاضلاب در آن داخل می‌شود و نمی‌تواند جلوی ترکیب اینها را بگیرد و چون مدیریت قنات‌ها را بحث و گفتگو نمی‌کنند، باید آب را به شکلی استحصال کنند، اما آن وقت آب شهر تهران را از سد ماملو و سد کرج یا جاهای دیگر بیاورند. دوستان وزارت نیرو یکی-دو بار با بنده تماس گرفتند اما نشد تا ما جلسه بگذاریم. می‌توانند در مورد سامانه شش بخشی استحصال آب ما فکر کنند؛ ما حاضریم آب دو منطقه از تهران را بدون استفاده از سدهای پشتیبان آب، نمونه سازی کنیم. اگر ظرف یکی-دو سال موفق شدیم آب با استاندارد بالا را به صورت پایدار در اختیار مردم قرار دهیم، معنای آن این است که حرف ما عملیاتی است، منتها عملیات آن انقدر ارزش افزوده دارد که می‌توانید دشت ورامین را احیا کنید.

بنابراین مسئله مدیریت آب هم یک مسئله مهمی است که باید راجع به آن گزارش نوشته شود. مسائلی دیگری هم می‌توانید شما پیشنهاد کنید. بنده عریضم را جمع کنم؛ پنج سختر بحثی الگوی جدید نگرهبانی از نظام را امروز در جلسه مطرح کردم؛ اولاً عرض کردم که با هجوم هفده بعلاوه چهل و شش سند بین المللی رو به رو هستیم که در حال اجرا هستند و این هفده بعلاوه چهل و شش مهمترین این اسناد هستند.

بخش دوم این است که دلیل عدم مقابله الگوی فعلی نگرهبانی از نظام با این اسناد را بحث کردم. عرض کردم با نگاه حقوقی نگرهبانی رخ می‌دهد و اساساً با نگاه حقوقی نمی‌توان جلوی هجوم نرم تعاریف را گرفت.

در بخش سوم عرض کردم که اگر بر مبنای نظام مقایسه میان تعاریف پوزیتویستی حاکم بر اسناد بین المللی و تعاریف فقهی مندرج در آیات و روایات، مقایسه ایجاد کنیم، می‌توانیم نوع جدید نگرهبانی را آغاز کنیم که این نوع نگرهبانی اختصاصی به شورای نگهبان ندارد و همه می‌توانند این کار را انجام دهند، منتها شورای نگهبان اولی است.

ساختار اجرایی آن این است که گزارش را می‌نویسیم و به اشتراک سه گروه جمعیتی می‌گذاریم. همین که بررسی گزارش میان این سه گروه جمعیتی تصمیم ساز شروع شود، یعنی وجهه تصمیم سازی شورای نگهبان و فقها ارتقا یافته است.

اولویت‌های پنجگانه را هم عرض کردم؛ مسئله مسکن اولویت دارد، مسئله سلامت اولویت دارد، مسئله نفی سبیل اولویت دارد، مسئله مدیریت آب اولویت دارد و مسئله مکاسب هم اولویت دارد. این‌ها اولویت‌های اصلی هستند.

والحمدلله رب العالمین

اللهم صل علی محمد و آل محمد

پیوست‌ها

پیوست شماره ۱: متمم قانون مشروطه

مورخ ۱۴ ذی‌القعدة الحرام ۱۳۲۴

کلیات

اصل اول: مذهب رسمی ایران اسلام و طریقهٔ حقه جعفریه اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد.

اصل دوم: مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسهٔ اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهدهٔ علمای اعلام ادام‌الله برکات و جودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کم‌تر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند باین طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسلام بیست نفر از علماء که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را یا بیش‌تر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و غوررسی نموده هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیأت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده با زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود.

اصل سیم: حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون.

اصل چهارم: پایتخت ایران طهران است.

اصل پنجم: الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است.

اصل ششم: جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است مگر در مواردیکه قوانین مملکتی استثناء می‌کند.

اصل هفتم: اساس مشروطیت جزناً و کلاً تعطیل بردار نیست.

حقوق ملت ایران

اصل هشتم: اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متسای الحقوق خواهند بود.

اصل نهم: افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین مینماید.

اصل دهم: غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمدۀ هیچکس را نمی‌توان فوراً دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آنصورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت باواعلام و اشعار شود.

اصل یازدهم: هیچکس را نمی‌توان از محکمه که باید دربارهٔ او حکم کند منصرف کرده مجبوراً بمحکمهٔ دیگر رجوع دهند.

اصل دوازدهم: حکم و اجرای هیچ مجزاتی نمی‌شود مگر بموجب قانون.

اصل سیزدهم: منزل و خانهٔ هرکس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهراً نمیتوان داخل شد مگر بحکم ترتیبی که قانون مقرر نموده.

اصل چهاردهم: هیچیک از ایرانیان را نمی‌توان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور با قامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح میکند.

اصل پانزدهم: هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است.

اصل شانزدهم: ضبط املاک و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوعست مگر بحکم قانون.

اصل هفدهم: سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان بهر عنوان که باشد ممنوعست مگر بحکم قانون.

اصل هیجدهم: تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.

اصل نوزدهم: تأسیس مدارس بمخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

اصل بیستم: عامة مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آن‌ها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آن‌ها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.

اصل بیست و یکم: انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنة دینی و دنیوی و مخل بنظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمی باشند.

اصل بیست و دوم: مراسلات پستی کلیه محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردی که قانون استثناء میکند.
اصل بیست و سوم: افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردیکه قانون معین میکند.
اصل بیست و چهارم: اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایران را بنمایند قبول و بقای آن‌ها بر تبعیت و خلع آن‌ها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است.

اصل بیست و پنجم: تعرض به مأموران دیوانی در تقصیرات راجعه به مشاغل آن‌ها محتاج به تحصیل اجازه نیت مگر در حق وزراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود.

قوای مملکت

اصل بیست و ششم: قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین مینماید.

اصل بیست و هفتم: قوای مملکت بسه شعبه تجزیه میشود:

اول- قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هریک از این سه منشاء حق انشاء قانونرا دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصره همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است. شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است.

دوم- قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عدلیه در عرفیات.

اصل بیست و هشتم: قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود.

اصل بیست و نهم: منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک بتصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تسویه میشود.

حقوق اعضای مجلسین

اصل سیام: وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف امام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آن‌ها را انتخاب نموده‌اند.

اصل سی و یکم: یک نفر نمیتواند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد.

اصل سی و دوم: چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود.

اصل سی و سوم: هریک از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند.

اصل سی و چهارم: مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملی بی نتیجه است.

حقوق سلطنت ایران

اصل سی و پنجم: سلطنت ودیعه ایست که بموهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده.

اصل سی و ششم: سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلاً بعد نسل بر قرار خواهد بود.

اصل سی و هفتم: ولایتعهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد برحسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط بر آنکه آن ولیعهد از خانواده قاجار نباشد ولی در هر موقعیکه پسری برای پادشاه بوجود آید حتماً ولایتعهد با او خواهد بود.

اصل سی و هشتم: در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمس باشد. اگر باین سن نرسیده باشد نایب السلطنه از غیر خانواده قاجاریه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد.

اصل سی و نهم: هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمیتواند جلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیأت وزراء بقرار ذیل قسم یاد کنند:

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام الله مجید و به آنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایرانرا نگهبان و برطبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عزشأنه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عضویت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت ترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد میکنم.

اصل چهلم: همینطور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد. اصل چهلم و یکم: در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد و انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید بتعویق بیفتد.

اصل چهلم و دوم: هرگاه دوره وکالت وکلای هردو یا یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد و وکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منعقد میشود.

اصل چهلم و سوم: شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگری شود. اصل چهلم و چهارم: شخص پادشاه از مسئولیت مبری است وزراء دولت در هرگونه امور مسئول مجلسین هستند.

اصل چهلم و پنجم: کلیه قوانین و دستخطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا میشود که به امضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است.

اصل چهلم ششم: عزل و نصب وزرا بموجب فرمان همایون پادشاه است.

اصل چهلم و هفتم: اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است.

اصل چهلم و هشتم: انتخاب مأمورین رئیسه دو اثر دولتی از داخله و خارجه با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در مواقعیکه قانون استثناء نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع به پادشاه نیست مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند.

اصل چهلم و نهم: صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف کنند.

اصل پنجاهم: فرمانفرمایی کل قشون بری و بحری با شخص پادشاه است.

اصل پنجاه و یکم: اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است.

اصل پنجاه و دوم: عهدنامههاییکه مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخه چهاردهم ذیقعد یکهزار و سیصد و چهار استتار آنها لازم باشد بعد از رفع محذور همینکه منافع و امنیت مملکتی اقتضاء نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه به مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود.

اصل پنجاه و سوم: فصول مخفیة هیچ عهدنامه مبطل فصول آشکار آن عهدنامه نخواهد بود.

اصل پنجاه و چهارم: ادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق العاده امر بانعقاد فرماید.

اصل پنجاه و پنجم: ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است.

اصل پنجاه و ششم: مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد.

اصل پنجاه و هفتم: اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضر تصریح شده.

راجع بوزراء

اصل پنجاه و هشتم: هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه ایران باشد.

اصل پنجاه و نهم: شاهزادگان طبقه اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمیتوانند بوزارت منتخب شوند.

اصل شصتم: وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت باموریکه محول بآنهاست حدود مسئولیت خود را منظور دارند.

اصل شصت و یکم: وزراء علاوه بر اینکه بتنهائی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند بهیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلس مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند.

اصل شصت و دوم: عده وزراء را بر حسب اقتضاء قانون معین خواهد کرد.

اصل شصت و سوم: لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است.

اصل شصت و چهارم: وزراء نمیتوانند اجکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند.

اصل شصت و پنجم: مجلس شورای ملی یا سنا می‌توانند وزراء را در تحت مؤاخذة و محاکمه در آورند.

اصل شصت و ششم: مسئولیت وزراء و سیاستی را که راجع به آنها میشود قانون معین خواهد کرد.

اصل شصت و هفتم: در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با کثرت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود.

اصل شصت و هشتم: وزراء موظفاً نمیتوانند خدمت دیگری غیر از شغل خودشان در عهده گیرند.

اصل شصت و نهم: مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوان‌خانه تمیز عنوان خواهند کرد دیوان‌خانه مزبوره باحضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دایره خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتیکه بموجب قانون اتهام و اقامه دعوی از دایره ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیر خارج و راجع بخود وزیر باشد.

تنبیه - مادامیکه محکمه تمیز تشکیل نیافته هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین بعده متساوی نایب مناب محکمه تمیز خواهد شد.

اصل هفتادم: تعیین تقصیر و مجازات وارده بر وزراء در موقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور اداره خود دچار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود.

اقتدارات محاکمات

اصل هفتاد و یکم: دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه و مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع‌الشرایط است.

اصل هفتاد و دوم: منازعات راجعه بحقوق سیاسی مربوط بحاکم عدلیه است مگر در مواقعیکه قانون استثناء کند.

اصل هفتاد و سوم: تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است و کسی نمیتواند بهیچ اسم و رسم محکمه برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید.

اصل هفتاد و چهارم: هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر بحکم قانون.

اصل هفتاد و پنجم: در تمام مملکت فقط یک دیوان‌خانه تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود آن‌هم در شهر پایتخت و این دیوان‌خانه تمیز در هیچ محاکمه ابتداء رسیدگی نمیکند مگر در محاکماتی که راجع بوزراء باشد.

اصل هفتاد و ششم: انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر آن‌که علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد در اینصورت لزوم اخفا را محکمه اعلان مینماید.

اصل هفتاد و هفتم: در ماده تقصیرات سیاسی و مطبوعاتی چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود.

اصل هفتاد و هشتم: احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که برطبق آنها حکم صادر شده است و علناً قرائت شود.

اصل هفتاد و نهم: در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.

اصل هشتادم: رؤساء و اعضاء محاکم عدلیه بترتیبی که قانون عدلیه معین میکند منتخب و بموجب فرمان همایونی منصوب میشوند.

اصل هشتاد و یکم: هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمیتوان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدوم محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر این‌که خودش استعفاء نماید.

اصل هشتاد و دوم: تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نمیشود مگر برضای خود او.

اصل هشتاد و سوم: تعیین شخص مدعی عموم با تصویب حاکم شرع در عهده پادشاه است.

اصل هشتاد و چهارم: مقرری اعضاء محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد.

اصل هشتاد و پنجم: رؤسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظف دولتی را بنمایند مگر این که آن خدمت را مجاناً بر عهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد.

اصل هشتاد و ششم: در هر کرسی ایالتی یک محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بترتیبی که در قوانین عدلیه مطرح است.

اصل هشتاد و هفتم: محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد شد.

اصل هشتاد و هشتم: حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون بمحکمه تمیز راجع است.

اصل هشتاد و نهم: دیوانخانه عدلیه و محکمه‌ها وقتی احکام و نظامنامه‌های عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند.

اصل نودم: در تمام ممالک محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود و قوانین اساسیه آن انجمنها از این قرار است.

اصل نود و یکم: اعضای انجمنهای ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی.

اصل نود و دوم: انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت‌نامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرر.

(در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی)

اصل نود و سوم: صورت خرج و دخل ایالات از هر قبیل بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود.

(در خصوص مالیه)

اصل نود و چهارم: هیچ قسم مالیات برقرار نمیشود مگر بحکم قانون.

اصل نود و پنجم: مواردی را که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد کرد.

اصل نود و ششم: میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی باکثرت تصویب و معین خواهد نمود.

اصل نود و هفتم: در مواد مالیات هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد شد.

اصل نود و هشتم: تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است.

اصل نود و نهم: غیر از مواقعی که قانون صراحتاً مستثنی میدارد بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی.

اصل صدم: هیچ مرسوم و انعامی بخزینة دولت حواله نمیشود مگر بموجب قانون.

اصل صد و یکم: اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتیکه بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد کرد.

اصل صد و دوم: دیوان محاسبات مأمور بمعاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریغ حساب کلیة محاسبین خزانة است و مخصوصاً مواظب است که هیچیک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز نموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبه مختلفه کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع‌آوری خواهد کرد و صورت کلیة محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید.

اصل صد و سوم: ترتیب و تنظیم و اداره دنتوان بموجب قانون است.

قشون

اصل صد و چهارم: ترتیب گرفتن قشون را قانون معین می‌نماید تکالیف و حقوق اهل نظام و ترقی در مناصب بموجب قانون است.

اصل صد و پنجم: مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود.

اصل صد و ششم: هیچ قشون نظامی خارجه بخدمت دولت قبول نمیشود و در نقطه‌ای از نقاط مملکت نمیتواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون.

اصل صد و هفتم: حقوق و مناصب و شئون اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون.

پیوست شماره ۲: آشنایی با کمیسیون بین الملل کدکس مواد غذایی (CODEX)

کدکس (Codex Alimentarius) ریشه لاتین داشته و در لغت به مفهوم مقررات است.

کمیسیون مقررات مواد غذایی (Codex Alimentarius Commissio) کمیسیون مشترک دو سازمان خواربار کشاورزی (FAO) و بهداشت جهانی (WHO) می باشد که در سال ۱۹۶۳ به دلیل اهمیت و لزوم تدوین استانداردهای غذایی، ایجاد گردید. این کمیسیون، تدوین استانداردهای غذایی را به طور واحد و یکسان برعهده دارد و اجلاسیه آن هر ساله در مقر یکی از سازمان های مذکور برگزار می گردد. در حال حاضر ۱۸۶ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران عضو این کمیسیون است .

از ویژگی های مهم این کمیسیون، تصویب استانداردهای جهانی مواد غذایی با رعایت مسائل ایمنی و بهداشتی مصرف کنندگان، تسهیل تجارت و تبادل مواد غذایی بین کشورها است و با توجه به تاکید سازمان تجارت جهانی (WTO) ، رعایت این استانداردها در تجارت مواد غذایی بین کشورهای منطقه و سایر کشورهای عضو کمیسیون حائز اهمیت و موثر می باشد.

ایران در سال ۱۳۶۸ به عضویت این کمیسیون پیوست، که طی همان سالها به دلیل فعالیت مناسب از سوی مدیر اجرایی کدکس مورد تشویق قرار گرفت.

در اجرای مصوبات یکصد و یکمین اجلاس شورای عالی استاندارد مورخ ۸۰/۲/۱۲ که در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۳ در جلسه کمیسیون امور زیر بنایی، صنعت و محیط زیست مورد بازنگری قرار گرفت، به منظور ساماندهی مشارکت کارشناسان و صاحب نظران و گروههای ذی نفع و ذی ربط جمهوری اسلامی ایران در فعالیت کمیسیون مقررات مواد غذایی (CAC) و همکاری با سایر سازمان های مرتبط در سطح بین المللی و منطقه ای، شورای هماهنگی کدکس غذایی ایران با مشارکت وزارتخانه های جهاد کشاورزی - بهداشت، درمان و آموزش پزشکی- صنعت، معدن و تجارت- علوم، تحقیقات و فن آوری و سازمان ملی استاندارد ایران تشکیل و فعال گردید.

آدرس مطلب در پایگاه رسمی سازمان ملی استاندارد ایران: bzn.ir/CODEX

مثلاً می‌گویند مقاومت هزینه دارد و شروع می‌کند هزینه‌های مقاومت را به دلار برای شما توضیح دادن که مثلاً «آنقدر در سوریه و لبنان خرج می‌کنی، آنقدر داری به سپاه و ارتش می‌دهی، آخر کجای دنیا دو تا نیروی نظامی وجود دارد؟!» همین‌گونه شروع می‌کند هزینه‌های مقاومت را بحث کردن، خب راه آن این است که شما در این طرف بیایید بگویید که هزینه‌های سازش بیشتر است: «چند سانتریفیوژ را خودمان جمع کردیم؟ هزینه آن چقدر بود؟ چقدر فرار مغزها رخ داد؟ چقدر پول خرج کرده بودیم برای اینکه این نخبه‌ها را تربیت کنیم، اما شما همه اینها را ناامید کردید و تشکیلات کشورهای غربی بعضی از آنها را جذب خود کردند - البته نمی‌دانم چند نفر از آنها خارج از کشور رفتند - اینها هزینه است دیگر، شما باعث شدید که طمع دشمن به دستاوردهای ما زیاد شود، حالا چقدر باید خرج کنیم تا دشمن عقب برود؟» پس ما هم باید شروع کنیم و لیست هزینه‌های سازش را بحث کنیم و به دلار برای آنها بگوییم. اگر این کار را نکنیم، آنها در جامعه جا می‌اندازند که «ما داریم از جیب مردم برای مقاومت هزینه می‌کنیم!» طرف هم اگر سخنران باشد - که سخنران است - و اگر عمامه سرش باشد - که عمامه هم سرش هست - برای مردم این مطلب را جا می‌اندازد. خب الان آیت‌الله خامنه‌ای چه کار کردند؟ شش سال است که دارند نظام مقایسه می‌کنند و آرام آرام همه دارند متوجه می‌شوند که هزینه‌های سازش خیلی بیشتر است.



* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir

کانال "الگو 4" در پیام‌رسان ایتا [@olgou4](https://t.me/olgou4)

